

بررسی ویژگی‌ها و مؤلفه‌های تاریخی مفهوم شهر
در سده‌های میانه تاریخ ایران

شهرام یوسفی فر

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

فقدان ابزار مفهومی و نظریه‌های کارآمد برای تحلیل مناسبات تاریخی شهرنشینی در ایران، از جمله مهم‌ترین موانع در مسیر رشد این‌گونه بررسی‌ها است. در این میان، دشواری‌های عدیده‌ای مانع از آن شده است که تاکنون تعریف کاربردی و دقیقی از مقوله «شهر» در ایران ارائه شود. در مقاله حاضر، سعی شده است با طرح برخی مباحث پایه‌ای، مؤلفه‌های بنیادین زندگی شهری در سده‌های میانه شناسایی و تحلیل شود تا بر اساس آن، زمینه‌های لازم برای ارائه «تعریف» شهر در این دوره، فراهم آید؛ و هم از این رو، به این پرسش پاسخ داده شود که تعریف پدیده «شهر» در سده‌های میانه، بر چه مؤلفه‌ها و ملاک‌هایی باید استوار شود؟

درآمد

مطالعه دستاوردهای پژوهشی معدود محققان علاقه‌مند به موضوع تاریخ مناسبات شهرنشینی و شهرسازی در ایران، نشانگر آن است که در آثار محققان داخلی به شدت و در تألیفات محققان خارجی به میزانی کمتر، نبود روش پژوهش کارآمد، مفاهیم دقیق و نظریه‌های منتج از تحلیل تجربیات شهرنشینی ادوار مختلف تاریخ ایران، که برای فهم و تبیین مسایل مختلف این موضوع ضرورت دارد، محسوس است. از جمله پیامدهای این امر می‌توان به شکل‌نگرفتن مباحث

بنیادین (چون مفهوم/ مفاهیم شهر، یا موقعیت نهادهای مدنی و نظایر اینها) در تاریخ اجتماعی ایران اشاره کرد^(۱). در توضیح دلایل این وضع باید اشاره کرد افزون بر پیچیدگی و چندبعدی بودن مناسبات جامعه شهری — که مطالعه موضوعات مرتبط با آن از طریق مطالعه بین‌رشته‌ای امکان‌پذیر است (← ادیبی، ۱۳۵۵: ۲۶-۲۵) — وجود برخی دشواری‌ها، مطالعه مسایل مختلف این موضوع در تاریخ ایران را دشوارتر کرده است، برای مثال، در یک دوره تاریخی، شرایط ناهمگون و سطوح متفاوت تکامل و رشد مناسبات اقتصادی - اجتماعی شهری — که ناشی از تفاوت‌های جغرافیایی نواحی ایران یا پیشینه متفاوت تاریخی — اجتماعی هر شهر بود — یا تفاوت‌ها در کارکردهای اقتصادی - اجتماعی شهرها در یک دوره و نظایر اینها، روند پژوهش در مناسبات تاریخی شهری را با دشواری روبه‌رو می‌کند. همچنین، تأثیرگذاری عوامل مختلف در روندهای مناسبات شهری ایران در ادوار مختلف، مباحث مربوط را پیچیده می‌سازد. در نهایت باید به دیرپایی مناسبات شهری و نیز گوناگونی تکامل شکلی - اجتماعی شهرها — که انباشتی از داده‌های مربوط به اشکال و تجربیات متفاوت زندگی شهری را در حوزه مطالعه تاریخ شهری ایران قرار می‌دهد^(۲) — اشاره کرد.

به‌واقع، اجرای پژوهش روشمند در تاریخ مناسبات شهری ایران، بدون مفاهیم ضروری و نظریات مناسب برای تبیین و تحلیل موضوعات مختلف امکان‌پذیر نیست. برای مثال، تأخیر در دستیابی به تعریف تاریخی از مفهوم «شهر» ایرانی، اشکالاتی جدی در زمینه مطالعات تاریخ اقتصادی و اجتماعی ایران را موجب شده است؛ زیرا با آنکه به‌نظر می‌رسد مفهوم و معنای «شهر» در نزد محققانی که در موضوع تاریخ شهرنشینی ایران پژوهش می‌کنند، روشن و

تعریف شده است، «.. مفهوم شهر در سرزمین ایران همان گونه که تصور می شود، تأویل و تفسیر...» نمی شود.^(۳)

در مقاله حاضر، زمینه های ضروری برای دستیابی به تعریفی دقیق از «شهر» در سده های میانه تاریخ ایران، مطرح و بررسی شده است؛ باشد که بر مبنای دستاوردهای این بحث و نیز سایر تلاش هایی که در جهت بازخوانی مناسبات تاریخی شهرنشینی در ایران صورت می گیرد، شرایط لازم برای مفهوم پردازی در این مقوله فراهم آید.

بر این اساس، پرسش اصلی این گفتار چنین است: برای ارائه و طرح تعریفی از مفهوم «شهر» در سده های میانه، چه مؤلفه هایی را باید به عنوان عناصر اصلی در نظر گرفت؟

پیش از شروع بررسی ابتدا به دشواری هایی که در انجام این بحث وجود دارد، اشاراتی صورت می گیرد؛ سپس مؤلفه های اصلی مفهوم شهر در ادوار باستانی تاریخ ایران و سرانجام مؤلفه های اصلی مفهوم شهر در سده های میانه بازشناسی و بیان می شود.

امکان ارائه تعریف شهر در ادوار تاریخ ایران. برخی دشواری ها و مسایل

روشی

دیرینگی پیدایش و گستره استعمال واژه «شهر» و ترکیبات آن در زبان و ادب فارسی سبب شده است به تدریج معانی و مفاهیم گاه متفاوتی از آن شکل گیرد و در افواه، منقولات تاریخی و آثار مکتوب رواج یابد^(۴). از دیگر سو، از آنجا که تعاریف و معادل گذاری های مفهومی محققان رشته های دست اندرکار مطالعات شهری برای واژه شهر، ویژگی ها و خصوصیت های تاریخی این پدیده را به طور کامل دربر نمی گیرد، سودمندی به کارگیری آن مفاهیم را با تردید روبه رو می

سازد^(۵). ضعف‌های مطالعات «تاریخ شهر» در ایران^(۶) نیز سبب شده است تاکنون تعریفی تاریخی از شهر که پاسخگوی نیاز محققان باشد، به‌دست داده نشود؛ و چنان‌که اشاره شد، موجودیت تاریخی پدیده شهرنشینی در ایران به‌دقت بررسی و تحلیل نگردد. از این رو ضروری است در طرح مباحث مرتبط با چنین بحثی، جوانب مختلف موضوع و ملاحظات ضروری را مد نظر قرار داد.

توجه به نحوه پیدایش شهر در ایران و عوامل مؤثر در روند آن، ازجمله مواردی است که شناسایی الگوی مسلط شهری و به‌تبع آن ارائه تعریفی تاریخی از شهر را آسان‌تر می‌کند؛ زیرا از آنجا که شهرهای ایران تحت تأثیر دخالت و عملکرد عوامل مختلفی ظاهر شده‌اند، هرگونه تقلیل سطح بحث و سهل‌گیری در آن، همچون مشکلی برسر راه عمل خواهد کرد. در صورت ادامه بحث از همین زاویه، عوامل اصلی دخیل در روند پیدایش و شکل‌گیری استقرارگاه‌های شهری در تاریخ ایران را که بی‌تردید در مفهوم‌بخشی به آن پدیده نیز مؤثر واقع می‌شدند، می‌توان به شرح زیر ملاحظه کرد:

عامل فرهنگی – که از طریق آن، بینش و چگونگی نگرش مردم به امور جهان سامان داده می‌شد^(۷) – در جریان شکل‌یابی کانون‌های زیستی چون شهر، تأثیرات عمیقی بر جای می‌گذارد. از آنجا که کارکردهای این عامل در راستای معنابخشی به روابط اجتماعی تحقق می‌یافت، جامعه شهر به‌مانند تبلور کالبدی نظام‌باور و اندیشه‌ای مسلط تجسم می‌یافت^(۸).

عامل اقتصادی؛ که روابط و مناسبات اقتصادی در یک جامعه را شکل می‌داد، ناظر به چگونگی تولید و توزیع ثروت، گردش کالا و نحوه مصرف آن و سامان‌دهی روابط چنین مناسباتی با ساخت کالبدی شهر بود.

عامل محیط یا اقلیم؛ که در چگونگی تعریف روابط زیست‌محیطی جهان (با توجه به عواملی چون آب و هوا، همواری و ناهمواری و دیگر عناصر محیط

زیست طبیعی) تأثیرگذار بود. تأثیرات اساسی این عامل بر شکل‌گیری کالبدی و تجلی فضایی کانون زیستی و ساماندهی فضایی شهر درخور امعان نظر است^(۹).

شرایط بسیار متنوع طبیعی و اقلیمی سرزمین ایران سبب می‌شد پیوسته وضعیت‌های شهرنشینی ناهمگونی در یک مقطع تاریخی وجود داشته باشد؛ زیرا تفاوت‌های اقلیمی و جغرافیایی در ایجاد ناهمگونی‌های زیستی مناطق مختلف از نظر دراختیارداشتن شرایط لازم برای رشد و تکامل مناسبات اجتماعی - اقتصادی مجتمع‌های زیستی خود را نشان می‌داد. اما تأثیرگذاری‌های این عامل در روند شهرنشینی، ناهمگونی‌هایی را در مراتب تکامل مناسبات شهری نواحی مختلف در یک دوره تاریخی پدید می‌آورد: با توجه به پیشرفت یا پس‌ماندگی رشد مناسبات اجتماعی در هر منطقه، وضعیت‌های متفاوت شهرنشینی در مجاورت یکدیگر ملاحظه می‌شد؛ برای مثال با آنکه در منطقه ماوراءالنهر، تنوع سنخ‌های شهری، حکایت از وجود ناهمگونی در وضعیت شهرنشینی آن منطقه داشت، مقایسه وضعیت شهر در آن ناحیه با منطقه مجاورش در خراسان - که شرایط جغرافیایی متفاوتی داشت - اختلافات بسیاری را نشان می‌داد^(۱۰). افزون بر این، تأثیرگذاری عامل اقلیم - محیط در پیدایش و تثبیت صورت‌بندی‌های اجتماعی - اقتصادی در نواحی مختلف، گونه‌هایی از خرده‌نظام‌های فرهنگی (عناصر ویژه مفهومی، اصطلاحی، آیینی و اندیشه‌ای) را به وجود می‌آورد. این امر نیز به نوبه خود سبب پیچیده‌ترشدن فرایند فهم و تحلیل مناسبات شهری می‌شود؛ زیرا به هنگامی که تلاشی برای ثبت و ضبط تجربیات اجتماعی ویژه هر منطقه (مثلاً درباره شهر یا روستا و نظایر اینها) صورت می‌گرفت، به ناگزیر محتوای تجربه اجتماعی زیست‌شده که خصلت «خاص» و «محلی» داشت، باید در قالب واژگان و اصطلاحات متداول زمانه بیان شود و به این ترتیب، تجربه مزبور «صورت‌بندی مفهومی» پیدا می‌کرد. به عنوان مثال، برای تمییز دو گونه

استقرارگاه روستایی و غیرروستایی، هم مردم منطقه‌ای که مناسبات اجتماعی رشدیافته‌ای نداشتند از واژگان شهر و روستا استفاده می‌کردند هم مردم دیگری با بار معنایی متفاوت در یک منطقه دیگر که مراحل پیشرفته‌تر مناسبات شهری را تجربه کرده بودند. از همین رو، در بسیاری موارد، بازخوانش مناسبات اجتماعی - اقتصادی و اندیشه‌ای نواحی مختلف براساس مفهوم‌بندی رایج از این‌گونه واژگان که در متون بازتاب یافته، با دشواری‌های بسیار روبه‌رو است؛ در نتیجه، برای فهم واقعیت تحقق‌یافته مناسبات شهری در یک دوره تاریخی باید ابتدا مفهوم‌شناسی تاریخی واژگان و مفاهیم اصلی پژوهش (به‌عنوان مثال در مباحث سیاسی - اجتماعی، واژگان شهر یا روستا و نظایر اینها) را انجام داد و سپس، باتوجه به جغرافیای فرهنگی ایران در آن دوره تاریخی، بررسی مقایسه‌ای مفاهیم موردنظر در حوزه‌های فرهنگی مختلف را به‌عمل آورد. بنابراین نباید وجود الفاظ و واژگانی چون شهر یا روستا در متون مختلف یک دوره تاریخی را بدون اعتنا به مفهوم/ مفاهیم تاریخی مشابه با آن واژه در متون گوناگون همزمان ملاک داوری یا شهر یا روستانامیدن واحدهای استقرارگاهی گوناگون در نواحی مختلف یک دوره تاریخی قرار داد. به همین ترتیب نمی‌توان به‌سادگی مفهوم واژگان و اصطلاحات یک دوره تاریخی را برای همان واژگان در دوره تاریخی یا سایر ادوار تاریخی، یکسان دانست؛ زیرا در گستره فرهنگ تاریخی واژگان زبان فارسی، برخی واژگان حوزه وسیعی از معانی مختلف را پذیرا شده‌اند که هر یک از آن معانی بازتاب شرایط و موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی یک منطقه در دوره تاریخی معین بوده است. پس برای فهم وضعیت شهر و شهرنشینی در ادوار مختلف تاریخی باید مفهوم «شهر» برای هر دوره تاریخی را به دقت بازشناسی کرد.

باتوجه به آنچه مطرح شد، به نظر می‌رسد برای دستیابی به تعاریف و مفاهیم صحیح مورد نیاز برای مطالعه وضعیت شهر در تاریخ ایران باید از این شیوه پیروی کرد: تعیین و تبیین دوره‌بندی از تاریخ ایران؛ تبیین سطوح متفاوت رشد و تکامل مناسبات اجتماعی ایران در دوره تاریخی موردنظر؛ مطالعه زبان‌شناسانه واژه «شهر» در آن دوره، دوره پیش و پس از آن؛ مطالعه وضعیت شهر در دوره موردنظر؛ تبیین سنخ‌های شهر در آن دوره؛ تعیین عناصر و ویژگی‌های اصلی در تعریف شهر؛ ارائه تعریف شهر. هرچند که باید اشاره کرد اولاً براساس کیفیت و کمیت مطالعات تاریخ شهر در ایران، چنین پروژه مهمی را نمی‌توان در آینده‌ای نزدیک به اجرا درآورد، ثانیاً توفیق در اجرای چنین طرحی، بی‌تردید به بهره‌گیری مناسب از روش مطالعات بین‌رشته‌ای بستگی دارد.

ضرورت‌های توجه به این مشکل روش‌شناختی، هنگامی آشکار می‌شود که درصدد مطالعه و بهره‌برداری از ادبیات جغرافیانگاری ایرانی - اسلامی برای پژوهش در موضوعی چون شهرنشینی یا روستانشینی باشیم. درواقع، جغرافیانگاران متقدم سده‌های میانه - که هرکدام در دوره‌ای مشخص از تاریخ فرهنگی به سر می‌بردند و در سرزمینی خاص زندگی می‌کردند، بی‌آنکه به تعریف واژگان خاص و فنی مورد استفاده خود (مانند شهر، روستا، قریه و غیره) نیازی احساس کنند، گزارش استقرارگاه‌های گوناگون را ثبت و ضبط می‌کردند. در آغاز به نظر می‌رسید که این رویه گزارش‌نویسی، در آگاهی‌دادن از وضعیت‌های متفاوت استقرارگاهی و واحدهای اجتماعی، مشکلی برای خوانندگان چنین آثاری ایجاد نمی‌کند. تنها هنگامی که بر اثر تکامل و گسترش مناسبات اجتماعی، تجربیات شهرنشینی تنوع یافت و در پی آن، برشمار آثار جغرافیانگاری افزوده شد، برخی جغرافیانگاران (مانند مقدسی) درصدد برآمدند برای رفع اشکالاتی که در فهم مناسبات و تجربیات زندگی شهری و روستایی

نواحی مختلف بروز کرده بود، این گونه تجربیات را بازشناسی و مفاهیم ویژه‌ای برای این مباحث وضع کنند. از این رو، بهره‌برداری از اطلاعات موجود در متون جغرافیانگاری سده‌های میانه، که منبع اصلی مطالعه تاریخ مناسبات شهری است، به دلیل آنکه بر مبانی سنجیده شده‌ای در مورد مقوله شهر یا تفاوت آن با غیر شهر و نظایر اینها استوار نشده است، با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌شود. به‌عنوان مثال، در این متون، برای تمییز انواع شهر از یکدیگر یا تشخیص شهر از غیرشهر، از معیارهای کلی و گاه مبهم نظیر «بزرگ»^(۱۱)، وجود «منبر» در شهر^(۱۲)، «حاکم‌نشین» بودن شهر^(۱۳) یا وجود «حصار»^(۱۴)، «مسجد جامع»^(۱۵)، و «بازار»^(۱۶) در شهر استفاده شده است. جالب اینجاست که فقدان مفاهیم دقیق و ضروری برای چنین بحثی، گاه برخی از جغرافیانگاران بزرگ را در امر تشخیص موقعیت شهری یا غیرشهری یک استقرارگاه با مشکل روبه‌رو^(۱۷) و گزارش‌های آنان را دچار کژتابی‌هایی کرده است^(۱۸). تأمل در نوع اشکالات روشی که در این گزارش‌ها وجود دارد، سبب می‌شود به‌هنگام بهره‌برداری از آثار پژوهشگرانی که بدون دراختیارداشتن تعریف تاریخی از پدیده شهر، مباحثی را در این حوزه مطرح می‌کنند، به‌ویژه آن دسته از پژوهشگران که به کار بست تعاریف مدرن از شهر در مورد شهرهای کهن علاقه‌مندند^(۱۹)، دقت بیشتری داشته باشیم.

با توجه به این اشارات مختصر به بحث، لازم است در مورد آسیب‌هایی که در نتیجه مطالعات محققان غربی در موضوع تاریخ شهر ایرانی و اسلامی وارد آمده است نیز تأملی صورت گیرد. محققان مزبور برای مطالعه تاریخ شهر در ایران، روش‌ها و مفاهیم و نظریاتی را به‌کار بستند که متأثر از ساختار اندیشه‌ای آنان و نیز دریافته‌های روش‌شناسی و نظری بود که در نتیجه بررسی تجربه و روندهای شهرنشینی جوامع اروپایی به‌دست آمده بود. تمایل به تعمیم نتایج آن مطالعات در باب تاریخ شهر در جوامع اسلامی، نقایص روش‌شناختی و تئوریک مختلفی را

در پی داشت. این در حالی است که بیشترین حجم مطالعات در این موضوع را آنان انجام داده‌اند^(۲۰).

با توجه به مباحثی که طرح شد، به نظر می‌رسد برای دست‌یافتن به مفهومی از شهر که قابلیت شمول داشته و تجمیع کلیه اشکال و تجربه‌های شهرنشینی در تاریخ ایران باشد، باید تجربه/ تجربیات شهرنشینی در هر دوره از تاریخ ایران بررسی و سپس براساس مطالعه تطبیقی تجربیات شهرنشینی و شاخص‌ها و تعاریف آن در هر دوره، برابرنهاد مفهومی برای این واژه، در ادوار مختلف تاریخ تحولات اجتماعی ایران ارائه شود.

هدف مقاله حاضر، طرح مباحثی پایه‌ای است تا براساس آن بتوان در راستای به‌دست‌دادن تعریفی تاریخی از شهر در ایران، جهت‌گیری صحیح‌تری در مطالعات تاریخ شهر در ایران پیدا کرد.

ب - نگاهی به مفهوم تاریخی شهر: تجربه شهر دوره باستان

وضعیت استمرار یابنده مناسبات شهری دوره باستان در ادوار بعد سبب می‌شود هر گونه طرح بحث در این خصوص به‌ناگزیر با توجه به آن پیشینه طولانی صورت گیرد؛ اما از آنجا که تاکنون بحث تعریف و مفهوم شهر ایرانی در دوره باستانی نتایج مشخصی نداشته است، به ناچار ضمن اشاره به نتایج یافته‌ها در این راستا، سعی خواهد شد مؤلفه‌های اصلی مفهوم شهر در این دوران که از طریق بازشناسی بافت کالبدی، شکل شهر و موارد دیگر، قابل شناسایی است، بررسی شود تا پیشینه پیدایش و تکامل مؤلفه‌های مؤثر در مفهوم شهر در سده‌های میانه مورد مذاقه قرار گیرد. شایان ذکر است که برای تصویرپردازی درباره «شکل شهر» و نیز تحلیل «مناسبات شهری» و فهم صور مختلف تجربه شهری در یک دوره تاریخی، ناگزیر باید از «سنخ‌های آرمانی» و «سنخ‌های

تحقق یافته مسلط» سخن گفت. در بحث حاضر، تلاش می‌شود بر این اساس تجربه شهری دوره مورد نظر بررسی شود.

با آنکه تجربه زندگی اجتماعی ساکنان ایران و سرزمین‌های واقع در نواحی غرب آن، تأثیرات متفاوتی در شکل و کارکرد کانون‌های استقرارگاهی در حال شکل‌گیری جامعه ماد برجای گذاشت^(۲۱)، مؤلفه‌های اصلی زندگی شهر ایرانی را از این دوره به بعد می‌توان بازشناسی کرد. پیدایش و تکامل «ده - دژ» مادی را می‌توان «پیش‌نمونه» شهر آرمانی ایرانیان دانست که بعدها در سیر تکاملی خود به شکل مسلط شهر ایرانی مبدل شد. در بافت دوگانه این استقرارگاه، رعایا در ده و حکام در دژ می‌زیستند^(۲۲). در نتیجه پیشرفت تقسیم کار اجتماعی و رشد مناسبات اجتماعی - که ظهور لایه‌های جدید در جامعه را در پی داشت - الگوی دویخشی مزبور به شهر سه‌بخشی (دوره ساسانی) تکامل یافت؛ و بعد از تکامل شکلی - اجتماعی الگوی ده - دژ، شکل اولیه مناسبات شهری با این ویژگی‌ها ظاهر شد: شهر به‌مانند فضایی کالبدی و اجتماعی، پذیرای نهاد دینی و قدرت سیاسی مسلط جامع در خود شد و با تأثیرپذیری از ساختار اجتماعی - فکری جامعه ایرانی به شکل کانونی برای تجلی وحدت اجتماعی بخش‌های مختلف (کوچرویی، روستایی و اشکال اولیه شهرها) درآمد. کارکرد اصلی این شهر، سازمان‌دهی مناسبات اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی قلمرو خود بود که این ویژگی‌ها در کالبد دژ (واقع در مرکز شهر) و دیگر عناصر مهم زندگی اولیه شهری که پیرامون آن قرار داشت، ظاهر می‌شد^(۲۳). در واقع، الگوی کالبدی مزبور، بازتابی این جهانی از نمونه ازلی و متعالی مورد عنایت در نظام اندیشه‌ای و جهان‌بینی ایرانیان به‌شمار می‌رفت^(۲۴).

موقعیت متفاوت هخامنشیان در دنیای آن روز، تغییرات اجتماعی گسترده‌ای به‌وجود آورد که در نتیجه آن، ساختار اجتماعی - اندیشه‌ای جامعه ایرانی

انکشاف یافت. شهر این دوره، در تداوم نقش و کارکرد شهر مادی، تجربه‌های فراتری را در تنوع کارکردی، تکامل الگوها و رشد مناسبات شهری از سر گذراند؛ که برای تحلیل دقیق سنخ‌های آن، لازم است دوره‌بندی دقیقی از تاریخ اجتماعی هخامنشی در اختیار داشت. اما بنا به ضرورت بحث حاضر، برای شناسایی مؤلفه‌های اصلی مفهوم شهر در این دوره، باید نقش و کارکرد شهر هخامنشی را بررسی کرد:

شهر هخامنشی در تداوم سیر تکامل شکلی - اجتماعی و کارکردی شهر مادی، در جهت‌گیری رشد و تعمیق گرایش منطقه‌ای شهر سیر می‌کرد^(۲۵)؛ امری که وضعیت وحدت اجتماعی کار (پیوستگی جوامع شهری با روستایی و کوچرویی) بر محوریت استقرارگاه شهری را تشدید می‌کرد. رشد مناسبات اقتصاد شهری، که در پیوند با گسترش مناسبات تجاری رخ می‌داد، در پیدایش و گسترش طرح اولیه فضای بازار در شهر این دوره تجلی می‌یافت^(۲۶).

وضعیت شهرها در دوره مقدونی، سلوکی و اشکانی، تحت تأثیر گرایش‌های کلان اجتماعی - اندیشه‌ای حاکم بر روند تغییرات اجتماعی این دوره، در شرایط گذار قرار داشت و الگوهای مختلف تجربه می‌شد. با آنکه در دوره سلطه عناصر یونانی، برخی اصول خاص زندگی سیاسی - اجتماعی در تأثیرپذیری از رویه و آموزه‌های حکمرانی آنان در برخی از شهرها کانون توجه قرار گرفت^(۲۷)، در نهایت تحت تأثیر گرایش غلبه‌یابنده دوره اشکانی که در جهت «تولید مجدد یا بازتولید شیوه تولیدی کهن» سمت‌گیری داشت (← پیگولوسکایا، ۱۳۶۷: ۱۲۹)، به تدریج کم‌رنگ می‌شد. بر این اساس، ویژگی‌های شهر دوره اشکانی را می‌توان به‌طور کلی چنین برشمرد: شهر همچنان به‌عنوان مقرر قدرت سیاسی، دینی و اداری، با کارکردهایی در راستای تجمیع مازاد تولید بخش‌های مختلف، برقراری نظارت بر سازمان اجتماعی تولید را محقق می‌ساخت. الگوی قبلی

فضای کالبدی براساس تفکیک کالبدی شهر و شهریان، متأثر از جایگاه آنها در روابط قدرت، ادامه یافته بود^(۲۸). در واقع، در شهر دوره اشکانی، با مؤلفه‌های اصلی مانند کارکرد سازماندهی فضایی - کالبدی، مفهوم منطقه شهری استمرار داشت.

شهر در دوره ساسانی، در هماهنگی با گرایش کلی حاکم بر روندهای سیاسی و اجتماعی - اقتصادی قرار داشت؛ که رشد نیروهای تولیدی (شهری، روستایی) و تغییرات در جریان ساختارهای اجتماعی و سیاسی در جهت انطباق با شرایط ناشی از برپایی حکومت ساسانیان را در مناسبات شهری و کالبدی خود بازتاب می‌داد. کارکردهای سیاسی شهر نیز در هماهنگی با گرایش حکومت به اعمال مدیریت متمرکز بر قلمرو خود تحقق می‌یافت. در حوزه روابط اقتصادی هم مفهوم کهن شهر ایرانی استمرار یافته براساس الگوی کهن وحدت اجتماعی کار بین بخش‌ها و منابع تولیدی شهر و پیرامون آن، در ساختار منطقه‌ای شهری، تحت اداره و نظارت درآمد. همچنین، سامان فضایی و شکل کالبدی شهر، الگوی تکامل یافته ده- دژ مادی را براساس نظام منزلت‌یابی و آرایش اجتماعی اقشار حاکم در شکل فضای شهری سه‌بخشی سامان می‌داد^(۲۹).

نظر اجمالی به زندگی شهری در دوره باستان، آن را به‌مانند پدیده‌ای اجتماعی که «بزرگ‌ترین واحد جایگزینی دارای سازمان‌بندی متمدانه»^(۳۰) را داشت، نشان می‌دهد. عناصر و مؤلفه‌های اصلی و پایدار شهر که انعکاس سامان اجتماعی در فضای تفکیک‌شده کالبدی شهر به‌شمار می‌آید، عبارت بودند از دژ به‌عنوان تجسم کالبدی مناسبات و قدرت سیاسی، بازار (مناسبات اقتصادی)، آتشکده (مناسبات دینی)، که هر یک از این عوامل کارکردهای مشخصی را در راستای سامان‌دهی به روابط منطقه‌ای (منطقه شهری)، بر اساس الگوی وحدت اجتماعی کار، ارائه می‌کردند (حبیبی، ۱۳۷۸: ۹-۱۴). این برداشت از شهر و الگوی کالبدی

آن، بازتابی نمادین از نظام اندیشه‌ای آن مردم و به‌ویژه مرتبط با برداشت دنیوی از مفهوم فره ایزدی بود^(۳۱). شایان ذکر است که این برداشت از شهر در دوره ساسانی، نمونه تکامل‌یافته اشکال «پیش‌نمونه شهر آرمانی» ایرانیان کهن بود؛ و لذا در کنار این الگو، اشکال دیگر شهر وجود داشت که تفاوت‌هایی بین آنها قابل تشخیص بود^(۳۲).

ج - تجربه شهر و مؤلفه‌های اصلی مفهوم شهر در سده‌های نخستین اسلامی

با آنکه شناخت تاریخ سده‌های نخستین اسلامی برای فهم تحول و گذار جامعه ایران از دوره باستان به دوره اسلامی اهمیت بسیاری دارد، از آنجا که تاکنون دوره‌بندی دقیقی از آن انجام نشده، تبیین تغییرات اجتماعی و به‌ویژه مفهوم‌پردازی درباره الگوی مسلط شهر در این دوره با مشکلاتی همراه است. با این اوصاف، برای شناسایی موقعیت شهر در این دوره و تدقیق در بازشناسی عناصر تشکیل‌دهنده زندگی شهری در سده‌های میانه، در اینجا به برخی ویژگی‌های مهم زندگی شهری در این دوره توجه می‌شود^(۳۳).

مناسبات شهری ایران از هنگام زوال جامعه کهن تا سده‌های میانه، تحت سیطره گفتمان «مدینه اسلامی» قرار داشت. واژه «مدینه» در مفهوم «شهر» بیشتر ابعاد دینی و سیاسی داشت؛ زیرا «مدینه جایی بود که در آن عدالت اجرا می‌شد و مقرر دولت یا نمایندگان حکومت و عناصر مذهبی بود»^(۳۴). شهر نمونه‌وار اسلامی، برای تحقق آرمان‌های اسلامی، از یک «نظام برنامه‌ریزی اندیشیده‌شده» پیروی می‌کرد. تجلیات این امر در شکل و مناسبات درونی شهر اسلامی بروز داشت^(۳۵). بر این اساس می‌توان ویژگی‌های اصلی شهر دوره اسلامی را در نقش سیاسی و دینی آن و کارکردهای اصلی که در آن راستا تحقق می‌یافت، ردیابی کرد. کارکردهای مطرح شهر اسلامی چنین بود: شهر به‌عنوان مقرر قدرت سیاسی،

کارکردهایی را در این راستا متحقق می‌کرد؛ و عنصر کالبد دژ یا ارگ، تجسم فضایی چنین ویژگی در شهر بود^(۳۶). بر اساس چنین کارکردی، شهر اسلامی در تداوم سیاست حکومت مرکزی، حوزه شهری وابسته به خود را بر اساس الگوی اداری مسلط اداره می‌کرد. این ویژگی سبب شده بود جغرافیانگاران مسلمان کارکرد اداری شهر را به‌عنوان شاخصی مهم در تمییز انواع شهر مد نظر قرار دهند (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۶۷-۶۸)^(۳۷). کارکرد دینی شهر که بازتابی از محتوای فرهنگی و ویژگی دینی مناسبات اجتماعی در درون جامعه اسلامی بود، در کالبد «مسجد جامع» شهر تجلی می‌یافت (← هورانی^۱، ۱۹۷۰: ۹-۲۴؛ استرن^۲، ۱۹۷۰: ۲۵-۵۰)؛ و از این رو، شهری که «منبر» داشت، به‌عنوان «مدینه» شناسایی می‌شد^(۳۸). کارکرد اقتصادی شهر نیز که در کالبد «بازار» تجلی می‌یافت، از نظر برخی صاحب‌نظران، مهم‌ترین معیار در تمییز شهر از غیرشهر در جوامع اسلامی بوده است^(۴۰). ویژگی دیگر این شهر، به روند پیدایش و گسترش نظام سازماندهی مکانی - اجتماعی شهری براساس الگوی محله، مربوط است^(۴۱).

مقایسه ساده الگوی شهر ساسانی با شهر اسلامی، چند محور تشابه و تمایز را نشان می‌دهد:

وجوه مشترک این دو را می‌توان در چند مؤلفه اصلی ملاحظه کرد: شباهت در کارکردهای سیاسی شهر؛ شباهت در وجوه عملکردی شهر به‌عنوان یک واحد اداری؛ هویت و کارکرد دینی شهر، که سبب می‌شد مراجع، نهادها و مؤسسات دینی در شهر استقرار یابند و مرجعیت سیاسی - اداری شهر توأم با مرجعیت دینی تثبیت شود^(۴۲).

اما ویژگی‌های مبین وجود تمایز بین دو وضعیت شهری نیز درخور تأمل است: در نخستین سده‌های تاریخ اسلامی، حضور عنصر «مسجد جامع» در

1. Hourani, A. H.
2. Stern, S.M.

کالبد شهر، معیار تمایز مدینه (شهر درجه یک) از غیرمدینه بود. اگرچه ضرورت‌های سیاسی و کشورداری همیشه تأکید یا کاربست معیارهای مطلق شده را بر نمی‌تافت، در واقع مشروعیت این شاخص در تعیین موقعیت دینی، حقوقی و اداری شهرها کاربرد زیادی داشت. اما آتشکده در شهرهای پیش از اسلام، چنین نقشی را در تعیین مراتب شهری برعهده نداشت. تفاوت مهم دیگر، به حوزه مناسبات اقتصاد شهری مربوط می‌شد. غلبه آموزه‌های اجتماعی - فرهنگی دین اسلام بر روالها و جریان زندگی معمول مردم، به آرامی تغییرات گسترده‌ای در حوزه ارزش‌های مسلط بر مناسبات کار، روند تولید و زندگی اقتصادی آنان پدید آورد. از جمله نتایج قابل توجه چنین فرایندی، تضعیف و کنار گذاشته شدن موانع ذهنی - اجتماعی بود که رشد جمعیت‌های پیشه‌ور و تکامل رشته‌ها و حرف تولید شهری را با تأخیر تاریخی روبه‌رو ساخته بود^(۴۳). تحولات اجتماعی ناشی از افزایش شمار پیشه‌وران و گسترش مشاغل تولیدی در شهرها، در شکل ظهور محله‌های مختلف و اهمیت‌یابی فضایی و اجتماعی آن در زندگی شهری به چشم می‌خورد. جنبه دیگر تغییرات اجتماعی، در شکل ظهور جریان دگرگون‌سازی ارزش‌ها و مناسبات اجتماعی کهن بروز کرد که همانند پشتوانه آموزه‌های مؤید نابرابری لایه‌های اجتماعی و نهادینه شدن آن در مناسبات اجتماعی عمل می‌کرد. در نتیجه چنین تغییراتی، فضای کالبدی شهر ساسانی که براساس تفاوت‌گذاری در منزلت اجتماعی - سیاسی افراد از شیوه «جدایی‌گزینی مکانی» پیروی می‌کرد، به سمت الگوی فضایی تغییر یافت که در حوزه نظری براساس معیارهای مساوات‌طلبانه و برابری‌خواهانه اجتماعی سامان می‌یافت. توجه به تمایزات دوگونه شهر حکایت از آن داشت که شهر ساسانی در جریان گذار به وضعیت شهرنشینی دوره اسلامی، شرایط نظری و عملی مناسب برای رشد مناسبات شهری را به دست می‌آورد.

د- شهر در سده‌های میانه ایران: نظری به مؤلفه‌های اصلی تعریف شهر

باتوجه به جمیع مباحث مقدماتی که مطرح شد، بحث بازشناسی عناصر و مؤلفه‌های بنیادین زندگی شهری در سده‌های میانه را آغاز می‌کنیم تا پس از تحلیل موقعیت و اهمیت آنها در زندگی شهری، تبیینی از آن مؤلفه‌ها به دست دهیم؛ و چنانچه این بحث، توافق صاحب‌نظران را در پی داشته باشد، بر آن اساس می‌توان تعریف نهایی از مقوله شهر در این دوران را به دست داد. به نظر می‌رسد اتخاذ چنین شیوه‌ای برای شناسایی دقیق‌تر موضوع پیچیده‌ای چون مناسبات شهری در ادوار تاریخی، از سایر رویه‌های معمول که در این خصوص به کار رفته، کارآمدتر است^(۴۴). بر اساس چنین شیوه‌ای، ابتدا ویژگی‌های سیاسی - اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر در سده‌های میانه به اختصار بررسی و تبیین، و سپس عناصر کالبدی شهر به عنوان تجلیات فضایی ویژگی‌های مناسبات سیاسی - اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی شهر تحلیل می‌شود؛ و در پایان، براساس نتایج این بررسی‌ها، مؤلفه‌های اصلی که باید در تعریف شهر مد نظر کارشناسان قرار گیرد، به دست داده خواهد شد.

ویژگی‌های اصلی شهر در سده‌های میانه

ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی که به عنوان شاخص زندگی شهری در سده‌های میانه بررسی می‌شود، در گزارش‌های برخی از منابع درمورد شهرهای این دوره گزارش شده است. این سخن به آن معنا است که وجود ویژگی‌های مورد بحث تنها برای آن دسته از شهرها مطرح می‌شود که گزارشی دال بر برخورداری از وضعیت مورد نظر در آنها در دست است. بر این اساس می‌توان نام و مشخصات شهرهایی را که در وضعیت مورد نظر این بحث قرار دارند، شناسایی و دسته‌بندی کرد.

مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه شهری، به شرح زیر است:

۱. شهر به‌عنوان کانونی که در آن مناسبات سلطه، نهادها و سازمان‌های سیاسی - اداری متلازم آن تجلی کالبدی یافته است، گروه‌های اجتماعی وابسته به بخش سیاسی را در خود جای می‌داد. وظایف و کارکردهای سازمان سیاسی - اداری شهر، در راستای تحقق اهداف کلان حکومت قرار داشت؛ وظایف و کارکردهایی چون: حفظ و استحکام پایه‌های قدرت حکومت در شهر و منطقه^(۴۵)، تأمین نظم و امنیت پایدار در شهر و منطقه شهری^(۴۶)، جمع‌آوری و ارسال مالیات‌های شهری و روستایی و اعمال نظارت بر هزینه‌کرد بودجه‌های مقرر جهت مخارج محلی، سامان‌بخشی به مناسبات فرهنگی شهر و منطقه از طریق برقراری حمایت از مراجع و نهادهای دینی، برقراری و حفظ انتظامات اجتماعی - اقتصادی شهری و منطقه‌ای^(۴۷). به‌طور کلی، نقش و کارکردهای سیاسی - اداری و انتظامی شهر در واقع در ارتباط و امتداد خواست حکومت برای برقراری نظم سرزمینی و اداره قلمروهای خود بود^(۴۸). درهم‌پیوستگی نقش و کارکرد واحد شهری با ساختار و عملکرد حکومت باعث می‌شد دستگاه سیاسی - اداری شهر، وظایف و نقش روزافزونی را در قبال لایه‌های مختلف اجتماعی، که در زندگی اقتصادی و اجتماعی جامعه شهری تأثیرگذار بودند، برعهده گیرد. اعمال سیاست‌های تصدی‌گرایانه اداره امور شهری و سامان‌بخشی به وضعیت اقتصادی - اجتماعی لایه‌های جامعه شهری، نقش پیشگیرانه‌ای در برابر رشد گرایش‌های مدنی در مناسبات اجتماعی و لایه‌های بانفوذ شهری ایفا می‌کرد. در نتیجه، نهادهای حکومتی با الگوهای اولیه به اصطلاح نهاد مدنی (مانند اصناف شهری و نظایر اینها) روابطی سلطه‌آمیز و به عبارتی «غیر مدنی» در جامعه شهری برقرار می‌کردند و در نهایت، ساختار و مناسبات اقتصادی - اجتماعی جامعه شهری (و حتی روستایی) به انسداد کشیده می‌شد^(۴۹). در این شرایط، زمینه‌های

ضروری برای رشد خودمختاری شهری تضعیف می‌شد و در نهایت به‌مانند جزئی از ساختار سیاسی مسلط و تحت بهره‌کشی آن درمی‌آمد (← اهلرز، ۱۳۷۰: ۲۵۰-۲۴۹)^(۵۰). در نزد مؤلفان قرون میانه (دیوانیان و یا جغرافیانگاران) نیز این ویژگی شهر به‌هنگام گزارش وضعیت شهرها به‌عنوان شاخصی مهم در تعیین مرتبه‌بندی شهرها براساس سلسله‌مراتب سکونت‌گاهی شهری و مرکزیت اداری - سیاسی منطقه مدنظر قرار می‌گرفت. به این ترتیب باید توجه داشت بخش اعظم ادبیات جغرافیانگاری ایرانی - اسلامی که کارشناسان مالیاتی و اصحاب دیوان به‌رشته‌ی تحریر درآورده‌اند، تحت تأثیر این برداشت از شهر تدوین شده بود و از این رو ناگفته پیدا است که ملاک‌های داوری آنان به‌هنگام تهیه‌ی گزارش از وضعیت شهر را امروز نمی‌توان مبنای ارائه‌ی تعریفی از شهر سده‌های میانه قرار داد.

۲. ویژگی دیگر شهر در این دوره، به‌مقوله‌ی بقا و استمرار شماری از زیرساخت‌های متصلب و سنگین مناسبات اجتماعی - اقتصادی کهن در شهر ایرانی مربوط می‌شد. درواقع، علی‌رغم تغییرات شدید سیاسی و اجتماعی ناشی از زوال ساسانیان و برآمدن حکومت اعراب مسلمان، سنگینی میراث کهن شهرنشینی ایرانی بر زندگی شهری دوره‌ی جدید، در شکل حضور شماری از روال‌های فرهنگی در متن سنت‌های اجتماعی و تجلیات فرهنگی آن در جامعه‌ی شهری قابل مطالعه است^(۵۱). افزون بر این، الگوهای بازتولیدشونده‌ی مناسبات تولیدی و ساختار اقتصادی شهری در کنار آموزه‌ها و سنت‌های سیاسی کهن ایران نیز از دیگر جریان‌های استمراریافته در شهر ایرانی دوره‌ی اسلامی است. به این ترتیب، شهرهای واقع در سرزمین ایران در مقایسه با سایر شهرهایی که در جامعه‌ی اسلامی وجود داشتند، از ماهیت و ویژگی‌های خاصی برخوردار بودند، که

برای شناسایی آنها از دیگر تجربیات همزمان لازم است عنوان «شهر ایرانی» بر آنها اطلاق شود.

۳. ویژگی دیگر، به خصلت غلبه‌یابنده‌ی آموزه‌های اسلامی بر مناسبات اجتماعی شهرهای ایران در دوره‌ی اسلامی مربوط بود؛ که در نتیجه‌ی آن، حضور و عملکرد دستگاه دینی در شهر تثبیت می‌شد. دستگاه دینی شهر با برقراری مرجعیت و نظارت خود، به تدریج مناسبات اجتماعی - فرهنگی شهر و منطقه را براساس معیارهای دینی متحول می‌ساخت^(۵۲). در شهرهای بزرگ، روال‌های اجتماعی - فرهنگی، آداب و رسوم و حتی مناسبات کالبدی شهر با قوانین و الگوهای نظری و آیینی اسلامی انطباق می‌یافتند^(۵۳). بر اثر چنین وضعیتی بود که شاخص حضور عناصر دینی و مناصب روحانی ویژه‌ی مسلمانان در شهر، به یکی از مهم‌ترین ملاک‌های تمییز شهر از غیرشهر در نظر گرفته می‌شد^(۵۴).

۴. ویژگی دیگر، ناظر به وضعیتی در شهر بود که در آن اجزای اصلی زندگی اجتماعی - اقتصادی و کالبدی شهر، - مانند دستگاه حکومت، دستگاه دینی، نظام محله و بازار - در ساختار اجتماعی جامعه‌ی شهری تثبیت و نهادینه شده بود. وجود عناصر مزبور در یک شهر، نشانه‌ی آن بود که آن شهر موقعیت اجتماعی - اقتصادی رشدیافته‌ای را دارا است؛ زیرا در نتیجه‌ی رشد و تکامل مناسبات تولید شهری بود که مناسبات اقتصادی - اجتماعی مبتنی بر شرایط «خرده‌تولید کالایی» (تولید ساده‌ی کالایی) بر مناسبات شهری غلبه پیدا می‌کرد. در تلازم با این تحول بود که لایه‌های پیشه‌ور و توزیع‌کنندگان خرد شهری (در برابر دهقانان و بازرگانان بزرگ) در جامعه‌ی شهری قوام یافتند و موقعیت خود را تثبیت کردند. به همین ترتیب، تغییرات شکلی - فضایی شهر نیز از تغییرات مناسبات تولیدی، افزایش جمعیت پیشه‌ور و صاحبان مشاغل واسطه‌گری اقتصادی در شهرهای آن دوران تأثیر می‌پذیرفت^(۵۵).

۵. در نتیجه تکامل مناسبات اجتماعی - اقتصادی در شهرها، روند تقسیم کار اجتماعی نیز گسترش یافت و نشانه‌هایی از تسلط آن بر شهرهای این دوره پیدا شد (← یوسفی فر، ۱۳۸۲: ۳۷۵-۳۰۹، فصل سوم: شکل‌شناسی شهر ایران در دوره سلجوقیان). در شهرهایی که به این وضعیت نایل می‌آمدند، محصولاتی که پیشه‌وران شهری تولید می‌کردند، مستقیماً به بازار شهر عرضه و مازاد آن به حوزه‌های روستایی شهر یا به بازارهای سایر مناطق شهری دور و نزدیک صادر می‌شد. با آنکه گزارش‌هایی درباره تولید نسبتاً تخصصی برخی فراورده‌ها در روستای این دوره در منابع انعکاس یافته است^(۵۶)، نباید در تعمیم شرایط مزبور به روستاها تعجیل کرد؛ زیرا بین این دو وضعیت از جهات مختلف تمایزهایی وجود داشت، برای مثال افزون بر آنکه سازمان تولید پیشه‌وری در شهر از سطح رشد یافته فنی و تجربی بالاتری برخوردار بود، تولید پیشه‌وری شهری از پشتیبانی شبکه مبادله شهری در فعالیت خود بهره‌مند می‌شد. به این ترتیب، مواد خام و اولیه از منطقه شهری یا نواحی دوردست تهیه و در اختیار آنان گذاشته یا اضافه محصول تولیدی به بازارهای مختلف صادر می‌شد. در مراتب فراتر باید توجه داشت در شهرهای مورد بحث، مناسبات بازار (تولید محصول برای بازار = رابطه اقتصادی تبدیل کالا به پول) بر اقتصاد شهری غلبه داشت^(۵۷).

۶. به این ترتیب، ویژگی دیگر شهر این دوره، به حضور و استقرار بخش «بازرگانی» - که مناسبات مبادله و توزیع محصولات تولیدی شهر در درون شهر یا مناطق روستایی و غیره را سازماندهی و اداره می‌کرد - مربوط می‌شد. با آنکه در برخی منابع گزارش‌هایی درباره وجود فعالیت‌های بازرگانی در محدودی از روستاهای این دوره وجود دارد^(۵۸)، وجود بخش «تجاری» در اقتصاد شهری این دوره را می‌توان مهم‌ترین ویژگی شهر در این زمان به‌شمار آورد؛ زیرا سازمان و شبکه دادوستد شهری سلسله‌مراتب عملکردی و پیچیدگی نهادی و تکامل یافته

مشخصی داشت که در تناسب با مناسبات اقتصادی - اجتماعی رشد یافته شهری به وجود آمده بود. با بررسی و تحلیل ارتباطاتی که بین بخش اقتصاد بازرگانی شهری و حکومت وجود داشت، مناسبات اجتماعی - اقتصادی شهر این دوره از زوایای دیگر روشن می‌شود. گستره وسیع و سودآور فعالیت‌های بازرگانی در نظر حکومتگران به مانند زمینه‌ای برای سرمایه‌گذاری و مشارکت اقتصادی بود. از این رو، بخش سیاسی علاقه‌مند به تحصیل منابع اقتصادی، به صورت‌های مختلف - از جمله مشارکت با بازرگانان و دریافت سهمی از سود فعالیت‌های بازرگانی یا سرمایه‌گذاری‌های دیگر (مانند احداث بناهای تجاری، خدماتی و نظایر اینها) - منافی را در این زمینه به دست می‌آورد^(۵۹). انتفاع مستقیم و اصلی حکومت از اقتصاد شهری، به شکل اخذ مالیات‌ها و عوارض مختلف از پیشه‌وران و بازرگانان محقق می‌شد. فهم این مناسبات افزون بر آنکه امکان تحلیل سیاست اقتصادی حکومت‌های آن دوران را فراهم می‌آورد، مقدمات لازم برای ارزیابی موقعیت «سرمایه تجاری» در مناسبات بازرگانی جامعه شهری را نیز امکان‌پذیر می‌کند؛ زیرا خصیصه بخش بازرگانی شهری این دوره، به وضعیت فقدان استقلال اجتماعی و سرمایه‌ای این بخش که برای انکشاف اقتصادی - اجتماعی آن ضرورت داشت، مربوط می‌شود.

۷. در چنین الگوی اقتصادی که بر شهر حاکم بود، شهر براساس الگوی «مناسبات سرمایه‌داری بهره‌بری»، از مازاد تولید روستاهای واقع در منطقه تحت نفوذ خود یا حتی مناطق روستایی دورتر بهره‌برداری می‌کرد. بخش اعظم این اضافه‌تولید را دستگاه اداری شهر و بخشی دیگر را زمینداران مقیم شهر جمع‌آوری می‌کردند و به مصارف مختلف (از جمله هزینه‌های جاری حکومت، یا سرمایه‌گذاری در چرخه مبادلات تجاری) می‌رساندند^(۶۰). بخش دیگری از اضافه‌تولید کشاورزی از مجاری درآمدهای موقوفات به شهرها انتقال پیدا

می‌کرد. به این ترتیب، شهر با روستا روابطی چندجانبه و هم‌بسته پیدا می‌کرد که تداوم و استمرار آن از جمله شرایط ضروری برای رشد اقتصاد شهری به‌شمار می‌رفت^(۶۱).

۸. ویژگی دیگر اقتصاد شهری آن بود که افزون بر آن دو بخش اقتصادی، فعالیت بخش «تولید زراعی و باغداری» نیز در اقتصاد شهری در جریان بود^(۶۲). کشاورزی و باغداری در مزارع و باغات درون حصار یا در مناطق بیرون شهر انجام می‌شد؛ اما بخش تولید زراعی شهری در ارتباط نزدیک و تعامل با زندگی شهری قرار داشت: شبکه آبیاری اراضی و باغات در ادامه شبکه آبرسانی شهری بود و محصولات تولیدی نیز به بازار شهر عرضه می‌شد. همچنین، بخشی از مازاد نیروی کار شهری یا جماعتی از پیشه‌وران شهری به هنگام بیکاری‌های موسمی خود گه‌گاه در این زمینه کار می‌کردند^(۶۳). تعامل بخش تولید زراعی با اقتصاد شهری سبب می‌شد مناسبات بازار در آن بخش نفوذ کند و در نهایت روابط پولی در آن بخش گسترش یابد. این امر باعث می‌شد گروه‌های متمول شهری به‌سوی سرمایه‌گذاری در عرصه زمین‌های کشاورزی و باغات شهری و منطقه شهری رغبت نشان دهند. در نتیجه، تولید زراعی با آنکه بخشی از نیازهای شهریان به فراورده‌های کشاورزی را برطرف می‌کرد، کارکردی روستایی نیز به شهر می‌بخشید و مهم‌تر آنکه شکل‌بندی اقتصادی شهر سده‌های میانه را به‌صورت وضعیت سه‌بخشی (خرده‌تولید کالایی، مناسبات تجاری، تولید زراعی) درآورده بود.

۹. اما روابط اقتصادی - اجتماعی و سیاسی یک شهر با شهر دیگر و یا مجموعه‌ای از شهرها با یکدیگر و نیز رابطه شهر با روستا/ روستاها، تابع نظامی سلسله‌مراتبی بود که خود بر مبنای سطح رشد و تکامل مناسبات اقتصادی - اجتماعی واحدهای استقرارگاهی متفاوت سامان یافته بود. الگوی استقرار و

روابط اقتصادی - سیاسی شهر و روستا چنین بود که در هر شبکه شهری، یک شهر برخوردار از موقعیت مسلط اقتصادی - سیاسی، به شیوه «بهره‌بری از مازاد تولید» (زراعی، ارزش افزوده، سود تجاری) دیگر نواحی تحت نفوذش، موقعیت برتر خود بر سایر استقرارگاه‌های شهری و روستایی که به‌عنوان اقمار آن شهر به‌شمار می‌رفتند و در یک آرایش سلسله‌مراتبی سامان یافته بودند^(۶۴)، را استحکام و استمرار می‌بخشید. در این شبکه شهری، شهر اصلی افزون بر آنکه تعدادی روستاهای پیرامون خود را تحت سیطره‌اش داشت، شماری شهر درجه دوم را در آرایشی منطبق با وضعیت طبیعی منطقه خود سازمان‌دهی می‌کرد. در مراتب بعد، مناطق اقماری شهرهای درجه دوم، شامل شماری شهر خردتر و روستاها بود^(۶۵).

در نتیجه، به‌هنگام مطالعه وضعیت شهری در سده‌های میانه تاریخ ایران باید تمایز موقعیت‌های شهری در مناطق مختلف را در نظر گرفت و در موقع مقایسه یا تعمیم نتایج بررسی‌ها به استقرارگاه‌های دیگر، دقایق بحث را رعایت کرد. مرور ویژگی‌هایی که بررسی شد، در واقع شاخص‌های کلی زندگی شهری در دوره تاریخی است که حد فاصل بین سقوط حکومت‌های غزنوی - بویه تا شروع تهاجمات مغولان به ایران را دربر می‌گیرد. از این رو، به‌ناگزیر در هنگام تعریف شهر در این دوره، ویژگی‌های مزبور را باید در نظر گرفت.

عناصر اصلی کالبد شهر در سده‌های میانه

بررسی و تبیین سیما و شکل شهر نمونه‌وار این دوره، ابعاد دیگری از زندگی شهری را نشان می‌دهد که برداشت‌های حاصل از تحلیل ویژگی‌های شهر را تکمیل می‌کند؛ همچنین، نشان‌دهنده دیگر عناصر اصلی مهم در هنگام تعریف از شهر است. در این راستا، ابتدا باید به‌ناگزیر شاکله و فضاهای ثقل کالبد شهری را

بازشناسی کرد و سپس براساس اهمیتی که آن عناصر و فضاها در محیط شهری داشتند، شکل شهر را مجسم کرد؛ زیرا از آنجا که موجودیت شهر تجسم روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در شکل شهر و فضای کالبدی آن به‌شمار می‌رود، با بازشناسی فضای کالبدی شهر، امکان بازشناسی نیروها، جریان‌ها و ساختارهای مسلط زندگی شهری یک دوره فراهم می‌آید^(۶۶). بر این اساس، عناصر اصلی و محوری شکل شهر در سده‌های میانه، به‌اختصار توضیح داده می‌شود^(۶۷) تا بتوان فهم صحیح‌تری از موجودیت پدیده شهری در این دوره به‌دست آورد.

الف - دژ، ارگ: به‌عنوان کالبد سیاسی، بازتاب حضور قدرت سیاسی در شهر و منطقه، نقطه کانونی کالبد و فضای شهری و محل استقرار حاکم و سایر کارگزاران وابسته و تأسیسات مرتبط بود^(۶۸). با وجود آنکه در مکان‌گزینی ارگ در شهرهای این دوره تفاوت‌هایی ملاحظه می‌شد، شکل غالب جایگزینی ارگ در شهر بر مبنای الگویی هماهنگ در فضایی مرتبط با مسجد جامع و بازار بود که اغلب در منطقه ربض قرار می‌گرفتند. این الگو، تغییرات معنادار مناسبات اجتماعی - اقتصادی در شهر این دوره را بازتاب می‌داد.

ب - مسجد جامع: دیگر عنصر مهم کالبد شهری و نماد حضور دستگاه دینی در شهر بود که از الگوی استقرار یابی فضایی معنادار در مجاورت بازار و ارگ پیروی می‌کرد. مؤسسات فرهنگی - علمی دیگر مرتبط با مسجد جامع به‌مانند فضاهای تکمیلی در کنار آن جای می‌گرفتند. در جریان تغییراتی که در مناسبات مذهبی جامعه رخ داد، فضاهای کالبدی دیگری چون خانقاه و مدارس در شهرها به‌وجود آمدند که شکل شهر را نیز تحت تأثیر قرار دادند. (← پیرنیا، ۱۳۶۶:

۲۲-۱)^(۶۹)

ج - بازار: دیگر فضای اصلی کالبد شهری بود که در هماهنگی فضایی با کالبد ارگ و مسجد جامع قرار داشته و به صورت خطوط اصلی موصلاتی شهر استقرار یافته بود. فضای بازار، روابط و مناسبات تولیدی و بازرگانی را در کالبد خود متجلی می‌کرد^(۷۰).

د - محله: دیگر فضای بااهمیت در کالبد شهری بود که افزون بر کارکردی چون سامان‌دهی فضایی - اجتماعی شهریان، کارکردهای اجتماعی (حفظ انسجام اجتماعی، برقراری نظارت اجتماعی، هویت‌بخشی به اعضای محله، ...)، فرهنگی (تفکیک فضایی گروه‌های اعتقادی متمایز، ...)، اداری (تأمین امنیت و نظم در محله، اداره امور محله، ...) و شهری (دارابودن مؤسسات عمومی چون حمام، بازارچه، مسجد، مدرسه، ...) هم داشت^(۷۱).

بررسی عناصر اصلی شکل شهرهای ایرانی در سده‌های میانه و تحلیل الگو و چگونگی مکان‌یابی عناصر اصلی زندگی شهری در فضای شهر و نیز مقایسه آن با الگوی فضایی عناصر اصلی شهر ایرانی - ساسانی و شهر ایرانی در سده‌های نخستین اسلامی، تفاوت‌های معناداری را در شیوه سامان‌یابی و آرایش فضایی آن عناصر نشان می‌دهد. در شهر سده‌های میانه، روند تغییرات اجتماعی - سیاسی، همراه با برداشت متفاوتی که از سیاست و کشورداری مسلط شد، سبب شد که الگوی شهری جدیدی در منطقه ربض سر برآورد و به مهم‌ترین بخش کالبدی شهر تبدیل شود. تغییرات مورد بحث در شکل شهر و جابه‌جایی عناصر اصلی زندگی شهری که با پیدایش منطقه ربض در شهرها همراه بود، بر اثر رشد مناسبات اقتصادی - اجتماعی شهری پدید آمد^(۷۲).

جمع بندی

باتوجه به تأملات مطرح شده دربارهٔ ویژگی‌ها و خصایص شهر در سده‌های میانه می‌توان گفت که برای دست‌یافتن به تعریفی دقیق از تصور شهر در نظام اندیشه‌ای و موجودیت شهر در نظام اجتماعی ایران در سده‌های میانه، لازم است عناصر و مؤلفه‌های مورد بحث به شکلی دقیق مدنظر قرار گیرد.

بر اساس آنچه مطرح شد، شهر سده‌های میانه به‌عنوان شکلی از زندگی جمعی در امتداد تجربیات و الگوهای پیشینی شهر ایرانی - اسلامی قرار داشت. همایش نیروها و روابط تولیدی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مسلط جامعه، در شکل و کالبد شهر تجلی می‌یافت. شهر در نقش واحدی سیاسی، نظامی، اقتصادی، و فرهنگی، کارکردهای اصلی را در گسترهٔ مناسبات اقتصادی، سیاسی، اداری و فرهنگی تحقق می‌بخشید.

همچنین، پیوستگی مناسبات اجتماعی شهر با روستا افزون بر آنکه جریان‌یابی مازاد روستایی به شهر و تجاری‌کردن آن را در پی داشت، باعث بازتولید دائمی زمینه‌های سیاسی - اجتماعی مناسبات کهن سلطهٔ ایرانی و تحکیم آن می‌شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای ملاحظهٔ اشاراتی بیشتر به این موضوع و بررسی دیگر دشواری‌هایی که بر اثر این وضعیت در مطالعات تاریخی شهر به‌وجود آمده است، ← : پاکزاد، ۱۳۸۴: ۱۰۴ - ۹۴.

۲. برای مثال، در این راستا می‌توان به تفاوت تجربهٔ الگوی شهرنشینی دورهٔ باستانی ایران با ادوار پس از اسلام توجه کرد. در تجربهٔ شهرنشینی ادوار کهن ایران‌زمین، مفهوم «خشتر» (= شهر) در ساختار فرهنگ دودمانی مسلط دربردارندهٔ یک برداشت از قلمرو حکومتی - قومی بود درحالی‌که در ادوار

بعدی چنین نبود. (برای ملاحظه بررسی از این موضوع، ← پاکزاد: ۱۳۸۴: ۹۵-۹۴)

۳. پژوهش برخی از محققان حکایت از آن دارد که شیوه و روش‌هایی که در فهم تعریف و موجودیت شهر در ایران به کار گرفته شده، نارسایی‌های بسیاری داشته است و از این رو واقعیت کامل این تجربه را باز نمی‌تاباند، زیرا به‌عنوان مثال، ضروری است که در شهرهای ایران، باید اهمیت خاطر جمعی از فضا و مکان و نیز انباشت وقایع تاریخی بر ویژگی‌های کالبدی فضا در تعریف از شهر، مد نظر قرار گیرد. (ر.ک: ترابی، ۱۳۸۴، ۱۱۶-۱۰۵)

۴. اشاراتی به نفوذ برداشت‌های مختلف از واژه «شهر» در متون گوناگون دوره اسلامی، که سبب سردرگمی محققان می‌شود. (← پاکزاد، ۱۳۸۴: ۱۰۰)

۵. تعاریف مختلف از شهر و ارزیابی سودمندی هر یک از آنها در تبیین مناسبات شهری در جوامع مختلف، در این مأخذ بررسی شده است: ادیبی، ۱۳۵۵: ۳۳-۲۲.

۶. وجود برخی پرسش‌های پاسخ‌نیافته درباره وضعیت شهرنشینی در دوره باستان ایران، خلط مباحث گسترده‌ای را در این زمینه موجب شده است. (← پاکزاد: ۱۳۸۴: ۹۷-۹۵)

۷. تأثیرگذاری عامل فرهنگی و معنوی در پیدایش استقرارگاه‌های شهری و تأثیرگذاری‌های بعدی این عامل در حیات شهری، در این مأخذ بررسی شده است: راپوپورت، ۱۳۶۸.

۸. بر این اساس است که یکی از برداشت‌های رایج از پدیده شهر، واجد ابعاد معنایی و آرمانی بود. (برای ملاحظه اشاراتی به مفهوم شهر در ایران کهن به‌عنوان مفهومی نمادین، ← اعتضادی: ۱۳۸۴، ص: ۱۳۰)

۹. اهمیت این عوامل در شناخت مسایل تاریخ شهرنشینی ایران، در این مأخذ بررسی شده است: حبیبی، ۱۳۷۸: ۳-۴.

۱۰. برای مطالعه بررسی موقعیت سنخ‌شناسی منطقه شهری ماوراءالنهر در سده‌های میانه، ← تورسان‌زاده، ۱۳۷۷: ۱۶۸-۱۴۳. افزون بر این، باید توجه داشت که روند شهرنشینی در ایران همیشه برطبق روال‌های طبیعی جریان نداشت؛ به‌عنوان مثال، در کنار شهرهایی که در نتیجه تکامل تقسیم کار اجتماعی به‌وجود آمده بودند، پیدایش برخی دیگر از شهرها بنا به خواست حکومت‌ها بود. (تحلیلی از این امر، در: حبیبی، ۱۳۶۹: ۲۰-۱۶) و برای مطالعه گزارشی از شیوه دخالت حکومت در تغییر موقعیت یک استقرارگاه به وضعیت شهری در سده‌های میانه، ← ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۱؛ اشاره به موارد دیگر، در: فقیهی، ۱۳۶۵: ۵۹۵.

۱۱. به‌عنوان مثال، یاقوت حموی، برای تشریح وضعیت شهری میانج، از تعبیر «شهر بزرگ» استفاده کرده است (← یاقوت حموی، ۱۳۴۷: ۱۷۶)؛ مؤلف دیگری از موقعیت پررونق شهری ری با تعبیر «شهری عظیم و آبادان» یاد کرده است (← *حدودالعالم من المشرق الی المغرب*، ۱۳۷۲: ۳۹۱)؛ یا درباره سپاهان، از تعبیر «شهری عظیم» (همان، ص ۳۸۸)؛ درمورد بخارا از وصف «شهری بزرگ» و «آبادان‌ترین شهری در ماوراءالنهر» (همان، ص ۳۲۹)؛ و وصف «بزرگ و آباد» درمورد طالقان (← مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ص ۵۲۸) و «شهر هرات» (← *حدودالعالم من المشرق الی المغرب*، ص ۳۲۹)؛ و نیز درمورد شهر ری (← جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۴۶)؛ و اهواز (به‌عنوان «شهر بزرگ») (همان، ص ۱۰۵).

در کاربست این‌گونه توصیفات مشخص نشده که شاخص داوری مؤلف وسعت کالبد شهر بوده است یا جمعیت زیاد آن؛ زیرا اگر فراوانی جمعیت

به‌عنوان شاخص تعیین موقعیت شهری مدنظر بوده است، در این هنگام شماری از دیه‌های خراسان از برخی شهرهای کوره بغداد پرجمعیت‌تر بودند (← مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۱۶۹)؛ برای بررسی بیشتر این موضوع، ← اشرف، ۱۳۵۳: ۴۵.

۱۲. با آنکه مؤلفان سده‌های میانه، وجود منبر را یکی از ملاک‌های اصلی برای تعیین موقعیت یک شهر درجه یک می‌دانستند، به دلایل متفاوت کارآیی این شاخص برای تشخیص مراکز استقرارگاهی از یکدیگر، مشکلاتی را در امر تشخیص موقعیت شهری از روستایی به‌وجود می‌آورد؛ به‌عنوان مثال، در منطقه فلسطین، شماری از «روستا»ها منبر داشتند (← مقدسی: ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۲۴۷) یا در منطقه ری، حدود هفده روستای دارای منبر وجود داشت (← ابن فقیه، ۱۳۴۹).

۱۳. شماری از جغرافیانگاران، این ویژگی را به منزله شاخصی اصلی برای تمایز شهر درجه یک از سایر شهرها دانستند (برای مثال، ← مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۲۱۹؛ یا ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۲۵۷، حاشیه ش ۱۴۷).

۱۴. برای مثال، جیهانی برای تقسیم‌بندی انواع شهر در فارس، از این شاخص استفاده و آنها را به «شهرهای حصاردار» (یا شهرهای استوار) و غیر آن دسته‌بندی کرده است (← جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۱۱)؛ اصطخری نیز در برخی موارد، به‌مانند وی عمل کرده است.

۱۵. با وجود آنکه این شاخص در نزد مؤلفان آن روزگار اهمیت بسیار داشت، تغییرات اجتماعی - فکری سبب شد کاربست دقیق این شاخص برای شناسایی و تفاوت‌گذاری بین مراتب شهری با اشکال مواجه شود؛ زیرا گاه دیده می‌شد در برخی از دیه‌ها مسجد جامع یا حتی بازار تأسیس شده بود. (برای ملاحظه اشاراتی به این موارد، ← یاقوت حموی، ۱۳۴۷: ۲۴)؛

همچنین، گاه با آنکه در برخی از شهرها دو مسجد جامع برپا شده بود، در نظر مؤلفان مزبور تفاوتی در منزلت و موقعیت آن شهر با سایر شهرها ملاحظه نمی‌شد (← جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۴۲).

۱۶. با وجود اهمیت و کارآیی این شاخص در تمییز شهر از غیرشهر، در این دوره گزارش‌هایی نیز درباره وجود بازار در شماری از روستاها در دست است. (برای ملاحظه برخی از این موارد، ← بارتولد، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۳۳۳-۳۳۲؛ و موارد دیگری در غرب ایران، در: ابن جیبیر، ۱۳۷۰: ۲۶۵). همچنین، کاربست شاخصی دیگر (وجود تولید پیشه‌وری و کالایی در شهر و نبود آن در غیرشهر) که در نزد محققان برای تمایز شهر از غیرشهر بسیار بر آن تأکید می‌شود، با دشواری‌هایی همراه است. (بررسی مفصل‌تر این موضوع در پی‌نوشت‌های ۵۵ و ۵۶)

۱۷. با ذکر دو نمونه از این‌گونه مشکلات که در آثار مؤلفان کهن وجود دارد، این موضوع روشن می‌شود:

مقدسی درباره وضعیت دیه‌های فلسطین گوید: «آنها بزرگ و دارای منبر هستند و از بسیاری از شهرهای جزیره‌العرب بزرگ‌تر و آبادان‌ترند؛ اما در آیین‌نامه‌ها جزو شهر به‌شمار نیامده و در عین حال به گمنامی دهات نیستند، بلکه میان این دو درجه در کشاکش هستند، ما ناچاراً بدان می‌پردازیم تا وضعشان مشخص شود.» (← مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۲۴۷).

در گزارش‌های ابن حوقل نیز چنین مشکلی دیده می‌شود؛ از جمله در یک مورد گوید: «میان شهرهایی چند چون خلط، منازجرد، بدلیس، ارزن، میافارقین و... فرق مهمی نیست و وسعت آنها به هم نزدیک است؛ به‌جز خلط که بیرونش چون اندرونش آباد و بلکه چند برابر آبادتر است و

مردمش توانگرترند و اماکن تجارتي و بازارها و مقصد تجار است.» (← ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۹۱).

درواقع افزون بر اشکالی که این امر در روال گزارش نویسی جغرافیانگاران به وجود می آورد، در برخی مواضع، امکان تفاوت گذاری مشخص بین شهر و غیرشهر از آنان سلب می شد.

۱۸. در واقع، در گزارش های اغلب این منابع، موقعیت های یک شهر در ادوار پیش از زمان تألیف کتاب یا مؤلف انعکاس داده شده است. برای مثال، بسیاری از جغرافیانگاران که برخی از مناطق ایران را سیاحت می کردند و درباره آنها گزارش عینی می دادند، در مورد سایر شهرهایی که به دیدار آنها موفق نمی شدند، از گزارش های مؤلفان پیشین استفاده می کردند؛ در نتیجه، در گزارش آنان، از وضعیت شهرهای یک منطقه به طرزی ناآگاهانه، دو وضعیت ناهمزمان شهری به عنوان وضعیتی همزمان ثبت و گزارش شده است. (برای ملاحظه سایر انتقادات روش شناختی که بر آثار جغرافیانگاران ایرانی - اسلامی وارد است، ← کراچکوفسکی، ۱۳۷۹: فصل چهار به بعد).

۱۹. بررسی نارسایی های موجود در تعریف های ارائه شده صاحب نظران رشته های مختلف دست اندرکار مطالعات شهری و به ویژه باستان شناسی، در: ورجاوند، ۱۳۷۰: ج ۴، ص ۱؛ برای ملاحظه بررسی دیگری که مؤید نبود تعریفی مبنایی و مناسب از شهر در نزد محققان این موضوع و نیز ارزیابی انتقادات وارده بر تعاریف کنونی از شهر است ← ویرث، ۱۳۵۷: ج ۲، ص ۴۴-۴۱.

این وضعیت سبب شده است برخی از محققان در پژوهش های خود درگیر بحث تعریف شهر نشوند (تأکید بر این امر، در: مجیدزاده، ۱۳۶۸: ۱۲-۱۱). یا به شیوه ای کلی به این موضوع بپردازند. از جمله می توان به این اشاره توجه داد که «امکان ارائه تعریفی از شهر و شهرنشینی در سطح جهانی و بالطبع در

ایران غیرممکن است و در این راه تنها باید مجموعه‌ای از کمیت‌ها و کیفیت‌ها که در جریان گذار از غیرشهر به شهر دخالت مؤثر داشته‌اند، بررسی شوند.» (← ملک‌شهمیرزادی، صادق، «بررسی مفهوم شهر از دیدگاه باستان‌شناسی»، در: آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۷۹-۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۲۵).

برای آگاهی از اشارات دیگری درباره‌ی دشواری‌های تعریف پدیده‌ی شهر در ایران و نقش عوامل مختلف، از جمله کمبود مدارک تاریخی شهرسازی و شهرشناسی در این خصوص، ← فلامکی، ۱۳۷۴: ۸۸؛ ارزیابی انتقادی و بدبینانه‌ای از موفقیت‌آمیز بودن چنین تلاش‌هایی در مورد شهرهای تاریخی ایران، در: توسلی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۳۶۰-۳۵۹.

۲۰. آرا و دستاوردهای پژوهشی اسلام‌شناسان و ایران‌شناسان غربی در موضوع مناسبات شهر در جوامع اسلامی، انتقادات بسیاری را در نزد محققان غیراروپایی برانگیخته است. از جمله گروهی از صاحب‌نظران منتقد عقیده دارند که اصولاً به دلیل رویکرد نظری و روشی «کارهای آنان، چهره‌ی واقعی شهر اسلامی را نمی‌تواند ترسیم کند.» (← عبدالستار عثمان، ۱۳۷۶: ۱۷-۱۱)؛ یا چنین ابراز شده که به دلیل تفاوت‌نگذاشتن بین «شهر و معماری مسلمانان» و مقوله «شهر و معماری اسلامی» در آثار آنان، خلط بحث بسیاری به وجود آمده است (← نقی‌زاده، ۱۳۸۳: ۶۷)؛ انتقادات روش‌شناختی بر مطالعات اسلامی آن محققان نیز حکایت دیگری است (برخی اشارات در این مورد؛ در: عبود، ۱۳۸۲: ۱۶-۹؛ و بررسی این وضعیت در مورد تاریخ شهر در ایران، در: پاکزاد، ۱۳۸۴: ۹۶-۹۵).

۲۱. دکتر سیدمنصور سیدسجادی در باب منشأی پیدایش وضعیت شهرنشینی در ایران، پژوهش گسترده‌ای انجام داده‌اند که در آن، تجربیات اولیه‌ی رشد و

- تکامل مناسبات شهری پیش از ورود آریاها به خوبی بررسی شده است. (← سیدسجادی، ۱۳۸۴).
۲۲. برای آگاهی بیشتر از ساختار و تجربه مزبور در دوره مادها، ← دیاکانوف، ۱۳۵۷: ۳۱۰-۲۹۹
۲۳. بررسی و تحلیل عناصر اصلی زندگی شهری در تجربه دوره مادی در این مأخذ آمده است: ملک‌زاده، مهرداد، «پایتخت‌های ماد»، در: کیانی، ۱۳۷۴: ۱۴۶-۸۳؛ نیز، همو، «نگاهی به دوره و سبک ناشناخته مادی در تاریخ معماری و شهرسازی ایران»، در: آیت‌الله‌زاده شیرازی ۱۳۷۹-۱۳۷۸: ج ۵، ص ۶۳۱-۶۵۴؛ همچنین، ← صراف، محمدرحیم، «هگمتانه»، در: کیانی، ۱۳۶۸: ج ۳، ص ۳۱۱-۲۹۰؛ نیز: حبیبی، ۱۳۷۸: ۷-۵.
۲۴. بررسی جامعه‌آرمانی در نظام اندیشه‌ای و جهان‌بینی ایرانیان باستان، در: مجتبابی، ۱۳۵۲.
۲۵. توضیح این موضوع این است که در دوره هخامنشی، شهر در مفهوم یک قلمرو حکومتی - قومی نیز درک می‌شد که تحت حکومت یک «خسترپاون» یا «شهربان» قرار داشت؛ از این رو «خستر» هم یک شهر و هم یک شبه استان یا قلمرو حکومتی به‌شمار می‌رفت (← پاکزاد، ۱۳۸۴: ۹۵-۹۴).
۲۶. بررسی ویژگی‌ها و اجزای اصلی زندگی شهر در دوره هخامنشی، در این مأخذ قابل دسترسی است: عابدی، کامیار، «پایتخت‌های هخامنشی»، در: کیانی، ۱۳۷۴: ۲۳۴-۱۴۷؛ هوف، دیتریش، «شهرهای ساسانی»، در: کیانی، ۱۳۶۶. اطلاعات وسیع‌تر در این باره، در: بریان، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۲۶۲-۲۵۳؛ نیز: حبیبی، ۱۳۷۸: ۱۴-۹.
۲۷. بررسی تفصیلی مناسبات شهری این دوره، در: یارشاطر، ۱۳۷۷: ۱۱۰-۱۰۹. اطلاعات عمومی‌تر، در: گیرشمن، ۱۳۷۹: ۲۳۴-۲۳۰؛ نیز: فرای، ۱۳۶۲: ۲۳۷ به

بعد. بررسی وضعیت شهرهای این دوره در حوزه شرق ایران، در: غفور اف،

۱۹۹۷ م. : ۱۹۰-۱۵۱

۲۸. گزارشی از شیوه استقرار عناصر کالبدی شهر دوره پارتی در شهر نساء، در:

دیاکانوف، ۱۳۵۷: ۶۳-۶۴. آگاهی‌های بیشتر درباب شهر دوره اشکانی، در:

یارشاطر، ۱۳۷۷: ۱۱۰-۱۲۰؛ بررسی چگونگی تأثیرگذاری و انعکاس نظام

اجتماعی اشکانی در شهر آن دوره، در: پیگولوسکایا، ۱۳۶۷: ۱۳۹-۱۲۶؛ بررسی

از وضعیت شکل شهر در این دوره، در: حبیبی، ۱۳۷۸: ۲۶-۲۴

۲۹. تحلیل مفهوم نمادین و ارزیابی معنایی ریخت ویژه شهر ساسانی، در:

اعتضادی، ۱۳۸۶: ۱۳۳. بررسی شهرهای شاهی دوره ساسانی، در: هوف،

دیترایش، «نظری اجمالی به پایتخت‌های قبل از اسلام» در: کیانی، ۱۳۷۴؛ نیز:

آلتهایم، ۱۳۸۲: ۲۶-۲۵. بررسی خصایص الگوی کالبدی شهر ساسانی،

در: حبیبی، ۱۳۷۸: ۳۴-۲۸؛ نیز یارشاطر، ۱۳۷۷: ۱۲۰ به بعد. همچنین،

آگاهی‌های عمومی تری در این مباحث، در: کریستین سن، ۱۳۶۷: ۱۵۰-۱۴۷؛

نیز: فرای، ۱۳۶۳: ۳۷۲-۳۳۳

۳۰. تحلیل این مفهوم در: وایت هاوس، روث، «نخستین شهرها»، ترجمه مهدی

سحابی، در آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۷۹-۱۳۷۸: ۲۵۲.

۳۱. مفهوم فره ایزدی برای ایرانیان، نشان از حضور نیروی اهورایی داشت که

وظیفه انتظام بخشی به سرزمین و استحکام نظام اجتماعی و عقیدتی جامعه را

عهده‌دار بود. (برای آگاهی از این برداشت از مفهوم فره ایزدی، ← اعتضادی،

۱۳۸۶: ۱۳۰)

۳۲. از آنجا که در این مقاله، درپی جست‌وجوی روند تحول و تکامل «مفهوم

شهر» در ایران هستیم، بحث خود را به شهرهایی محدود کرده‌ایم که «نمونه

متعالی» این تجربه در دوره باستان تاریخ به‌شمار می‌روند. (برای آگاهی از

جزئیات بیشتر در باب آن موارد می توان به این مأخذ مراجعه کرد: رضایی راد،
۱۳۸۵: ۹۳-۸۲)

۳۳. شایان ذکر است که درباره وضعیت شهر در سده های نخستین اسلامی یک
بررسی صورت گرفته و با این مشخصات انتشار یافته است که در صورت نیاز
به آگاهی بیشتر در این موضوع، می توان به آن مراجعه کرد: یوسفی فر، ۱۳۸۳:
۱۱۷-۱۳۴

۳۴. مدینه از ریشه «مدن» (= شهرساختن، تبدیل به شهرکردن، متمدن کردن، و
نظایر اینها) است. مدینه (جمع مُدُن)، مدائن (= شهرها)، مدنی (= شهری،
متمدن)، برساخته های هم خانواده آن به شمار می روند. (← آذرنوش، ۱۳۷۹:
۶۴۱). برای ملاحظه بررسی گسترده ای از این واژه در متون مختلف و
اشاراتی به خصایص مدینه عربی در دوره اسلامی، ← ناجی، ۲۰۰۱: ۷۱،
۹۲-۱۲۷

۳۵. بررسی تأثیرات آموزه های اسلامی در شهرسازی و مناسبات شهری، در:
علمداری، ۱۳۸۱: ۲۴۵ به بعد؛ همچنین، ← عبدالستار عثمان، ۱۳۷۶: ۱۲۷؛
نیز: توسلی، ۱۳۷۱: ۳۵۹؛ «بررسی هویت و ویژگی های شهر اسلامی»، در:
نقی زاده، ۱۳۸۳: ۷۴-۴۳؛ همچنین: بلخاری، ۱۳۸۴: ۷؛ نیز: اسلامی و مورینی،
۱۳۷۵: ۲۷-۲۰؛ نیز: ابراهیمی، ۱۳۷۵: ۱۹-۱۲؛ نیز: افشار نادری، ۱۳۷۵:
۴۶-۵۳؛ نیز ← کونثو، ۱۳۸۴.

۳۶. بررسی از «دارالاماره» به عنوان مقرر قدرت سیاسی در شهرهای اسلامی،
در: عبدالستار عثمان، ۱۳۷۶: ۲۲۶-۲۲۳

۳۷. بررسی از این امر در: متز، ۱۳۶۸: ج ۲، ص ۴۵۰؛ نیز: پاکزاد، ۱۳۸۴: ۱۰۰.

۳۸. بررسی از نقش مسجد جامع به عنوان هسته مرکزی کالبد شهری و مبنای برنامه‌ریزی‌های توسعه کالبدی شهر، در: عبدالستار عثمان، ۱۳۷۶: ۱۲۶-۱۲۵؛ نیز: سلطان‌زاده، ۱۳۷۲: ۴۴-۵۱؛ و: حبیبی، ۱۳۷۸: ۴۶-۴۲

۳۹. جغرافیای‌نگاران مسلمان برای تمایزگذاری بین شهرهای مختلف، به این شاخص بسیار تکیه می‌کردند (برای ملاحظه مواردی چند، ← مقدسی، ۱۳۶۱: ۲۷۵). بررسی نقش «منبر» در معنابخشی به شهر اسلامی، در: ناجی، ۲۰۰۱: ۱۰۱ به بعد.

البته باید توجه داشت که احداث «مسجد جامع» و استقرار «منبر» در شهر دوره اسلامی، تابع روال‌ها، احکام دینی، سیاسی و اجتماعی مشخصی بود. به‌طور کلی، وجود مسجد در شهر، نشانه‌ای از اکثریت داشتن مسلمانان در آن شهر (← مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۲۷۵)، استقلال اداری - مالی شهر در منطقه شهری خود (درمورد قم، ← قمی، ۱۳۶۱: ۲۸) و کثرت نفوس مردم شهر بود. اشارات بیشتر در این‌باره، در: متز، ۱۳۶۴: ج ۲، ۴۵۳-۴۵۲؛ نیز اشرف، ۱۳۵۳: ۱۴-۱۳

۴۰. بررسی بازار به‌عنوان جزء اساسی شهر شرقی و اسلامی، در: پروشانی، طارمی، فروتن و دیگران، ۱۳۷۵، ۲: ج ۱، ص ۴۰۳-۳۱۴؛ تأکید بر نظریه شاخص بودن عنصر بازار در شهرهای اسلامی، در: عبدالستار عثمان، ۱۳۷۶: ۲۳۹-۲۵۴؛ ضیاء‌توانا، ۱۳۸۰؛ نیز: اشرف، ۱۳۵۳: ۱۴.

۴۱. متأسفانه تاکنون پژوهش درخوری در نظام «محله» در تاریخ شهری ایران انجام نگرفته است. بررسی‌های کلی درباب این موضوع را می‌توان در این مأخذ به‌دست آورد: توسلی، ۱۳۷۱: ۳۹۵؛ نیز: سلطان‌زاده، ۱۳۶۷: ۲۳۶-۲۵۰؛ و: اشرف، ۱۳۵۳: ۱۰ و ۴۸؛ نیز:

Pedersen and others, "Muhalla", in: *Encyclopedia of Islam*, 2nd ed., Liden, Vol. 6, pp 644-706.

در یک نشست تخصصی درباره «محلّه» در نظام شهری که در ایران برگزار شد، بیشتر مباحث آن، به ارزیابی قابلیت‌های نظام محلّه‌ای به‌عنوان راهکاری برای سامان‌یابی کلان شهرهای جدید معطوف بود؛ اگرچه مباحث پراکنده‌ای در باب ویژگی‌های نظام محلّه در تاریخ شهری ایران در آن یافت می‌شد. (خلاصه مقالات این همایش با این مشخصات انتشار یافته است: چکیده مقالات همایش توسعه محلّه‌ای: چشم‌انداز توسعه پایدار شهر تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، اسفند ۱۳۸۳).

۴۲. شایان ذکر است که افزون بر این ویژگی‌ها، وجه دیگری از مشترکات دوگونه شهر را می‌توان در مقوله تداوم تاریخی «اصول و مفاهیم حاکم بر معماری و خصایص کالبدی» نیز بررسی کرد. برای ملاحظه یک مطالعه در این زمینه، ← پرتوی، ۱۳۷۸: ۱۲۹-۱۰۶

۴۳. این‌گونه موانع ذهنی - اجتماعی، به آن دسته از آموزه‌های دینی کهن مربوط می‌شوند که از نظر اجتماعی کانون‌های روستایی را در مراتبی نازل‌تر از کانون‌های شهری ارزیابی می‌کردند و در امر «اخلاق کسب و کار» نیز ارزش بیشتری برای فعالیت‌های غیرپیشه‌وری قایل بودند. هنگامی که در نتیجه رشد و تکامل مناسبات اجتماعی ایران در اواخر دوره ساسانیان شمار پیشه‌وران در برخی شهرها افزایش یافت، تفسیر آموزه‌های مزبور براساس واقعیت‌های جامعه اجتناب‌ناپذیر شد.

۴۴. شماری از این محققان، به این شیوه به‌عنوان رویه‌ای مطمئن در مقوله پیچیده ارائه تعریف از شهر توجه کرده‌اند. برای مثال، در دو نظر مهم که مبنای شناسایی موقعیت شهر قرار گرفته‌اند (نظریه زیمرمن - سوروکین و نظریه لوتیز ویرث) از چنین شیوه‌ای بهره برده شده است. (← ادیبی، ۱۳۵۵: ۲۵-۳۱).

۴۵. بررسی شهر به عنوان عامل برقراری و تداوم سلطه حکومت مرکزی بر منطقه شهری و تحلیل پیوند حاکمیت سیاسی با جامعه شهری در سده‌های میانه تاریخ ایران، در: اهلرز، ۱۳۷۰: برداشت مشابهی از این مقوله، در: کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۵۸-۵۹. مطالعه گسترده‌تری از این موضوع درباره شهرهای باستانی ایران، در: پیگولوسکایا، ۱۳۶۷: ۳۷۵.
۴۶. بررسی دقیقی از این کارکرد شهری، در: پیران، ۱۳۸۴: ۱۲۱-۱۱۸.
۴۷. بررسی از نظام اداری شهری ایران و تعاملات آن با ساختار سیاسی، در: اشرف، ۱۳۵۳: ۲۴؛ نیز: ضیایی، ۱۳۸۰-۱۳۷۹: ۱۴۶-۱۴۵.
- بررسی وظایف دینی حکام مسلمان و سازمان‌های سیاسی شکل گرفته در شهرهای اسلامی (والی، رئیس، شرطه، محتسب، قاضی، غیره) و کارکردهای هریک، در عبدالستار عثمان، ۱۳۷۶: ۲۷۹-۲۷۷. بررسی نقش شهر به‌مانند پایگاه قدرت سیاسی و جایگاه دستگاه اداری متلازم آن و نیز تحلیل تجلیات کالبدی مناسبات مزبور که در مورد اصفهان دوره صفوی انجام شده، حاوی مباحث نظری سودمندی در این زمینه است. (← اهری، ۱۳۸۰: ۱۱-۱۰).
۴۸. برای مثال، گزارش ابن حوقل در مورد برخی شهرهای ایالت فارس (از جمله شیراز)، مؤید این نظر است: «امیر همه سپاه فارس همیشه در آنجا است؛ نیز دیوان‌های فارس و عمل دیوان و امرای جنگ در آنجا است.» (← ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۴۹). بررسی عالی این بحث در مورد شهرهای گوناگون، در: راپوپورت، ۱۳۶۸. بررسی این وضعیت در مورد شهرهای ایران در ادوار کهن، در: حبیبی، ۱۳۶۹: ۲۱؛ همچنین، ← سلطان‌زاده، ۱۳۶۷: ۲۲۷.
۴۹. در تحلیل این وضعیت می‌توان چنین گفت: فقدان امنیت به‌عنوان راهبرد بدون جایگزین در جامعه ایران سبب شد طبقات اجتماعی اجازه انکشاف نیابند و در نتیجه، تهدیدات مختلف نیروهای تغییرآفرین اجتماعی و نخبگان

این نیروها به یک توافق نانوشته در بازتولید زورمداری در ایران به منزله ایجادکننده امنیت به عنوان کارکرد بدون جایگزین به توافق برسند. به این ترتیب، شهر در ایران به عنوان جایگاه نظام زورمندمداری و در ابتدا به نام جایگاه نظام شهر - پدری بر پایه عامل سیاسی - نظامی بنیانگذاری می شود. در واقع، پایه و اساس شکل گیری شهر، جایگاه نظامی است که امنیت را در سرزمین ایران ایجاد می کند. (← پیران، ۱۳۸۶: ۱۲۰-۱۱۹).

بررسی و تحلیل درخوری از گرایش های سلطه جویانه و تمامیت گرایانه دستگاه های اداری شهرهای اسلامی بر تمامی شئون زندگی شهریان را می توان در این مأخذ ملاحظه کرد: عبدالستار عثمان، ۱۳۷۶: ۲۲۶. درباره نتایج حضور قدرت سیاسی در شهر و زورمداری دستگاه حکومت بر جامعه شهری که از طریق سازمان سیاسی - اداری شهری اعمال می شد، بررسی و تحقیقی در مورد شهرهای ادوار متأخرتر تاریخ ایران انجام شده است که نتایج آن برای مقایسه با ادوار قبل تر قابل تأمل است (← اشرف، ۱۳۵۸: ۲۴).

۵۰. اشارات بیشتری درباره این جنبه از زندگی سیاسی شهری در ایران سده های میانه، در: ضیایی، ۱۳۸۰: ۱۴۶-۱۴۵؛ همچنین: سلطانزاده، ۱۳۶۷: ۲۳۳. برای مقایسه این وضع با وضعیت سیاسی شهر در ساختار جوامع آسیایی، رجوع کنید به: سیف، ۱۳۸۰: ۱۵۶-۱۵۲، نیز ← اشرف، بی تا: ۱۰.

۵۱. موضوع گستره و کیفیت استمرار روال های زندگی و مناسبات فرهنگی کهن در دوره اسلامی، به ویژه بقای لایه های مناسبات شهری باستانی در شهرهای دوره اسلامی که سبب پیچیدگی فهم و مطالعه مناسبات شهری این دوران شده است و البته از عوامل ثانوی (چون موقعیت جغرافیایی هر شهر یا چگونگی بروز تغییرات اجتماعی - فرهنگی در جامعه شهری دوره اسلامی) نیز تأثیر می پذیرفت، قابل بررسی مستقلی است. برای آگاهی از جنبه های

مختلف این بحث، ← بولت، ۱۳۶۴؛ نیز: اشرف، ۱۳۶۰: ۶۹-۸۶؛ و: چوکسی، ۱۳۸۱.

۵۲. گاه اهمیت حضور دستگاه دینی در زندگی شهری، هموزن حضور دستگاه سیاسی در شهر و به مثابه حاکمیت دوگانه (Dualist) در شهر تحلیل می‌شود. (← حبیبی، ۱۳۶۹: ۲۰-۱۶).

۵۳. اگرچه کیفیت و شیوه‌های کاربست چنین سیاست‌هایی در جامعه شهری سده‌های میانه را باید به‌دقت بررسی کرد؛ برای مثال، میان الگوی مدینه فاضله اسلامی با آنچه به‌عنوان واقعیت زندگی شهری در جوامع دوره اسلامی ظهور کرده بود، اختلاف‌های اساسی وجود داشت (← عبدالستار عثمان، ۱۳۷۶: ۲۸۰-۲۷۹).

۵۴. برای ملاحظه بررسی اهمیت و کاربرد شاخص‌های مذهبی در شناخت شهر از روستا در سده‌های میانه، ← مؤمنی، ۱۳۷۰: ۱۰۴-۱۰۳؛ همچنین ← ضیایی: ۱۳۸۰: ۱۴۷؛ نیز ← حبیبی، ۱۳۷۸: ۴۱-۴۰ و شکوهی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۷۴.

۵۵. در وضعیت اقتصادی - اجتماعی «تولید خرده‌کالایی»، استادکارانی که صاحب ابزار تولید خود بودند، کالا - یعنی اشیایی برای فروش در بازار یا به عبارت دیگر برای مبادله با کالاهایی که نیازهای مصرفی را برآورده می‌ساخت - تولید می‌کردند. در این وضعیت، برای تعداد مشخصی از خرده‌مولدین کالا [= استادکاران] عادی بود که کارگر دستمزدی به‌خدمت گیرند و رفتارشان با آنان درست به‌مانند سرمایه‌داران نوع کلاسیک باشد. (ر.ک: رودنسون، ۱۳۵۸: ۷۳). در نظر برخی از محققان، «تولید خرده‌کالایی» در شهرهای این دوران، «وضعیت مسلط» بود.

۵۶. قابل ذکر است در شرایطی که «وضعیت تولید خرده‌کالایی» بر مناسبات شهری این دوره غلبه داشت، گزارش‌هایی که بر وجود تولید برخی مصنوعات تخصصی در شماری از نواحی روستایی دلالت دارد، به معنای استقرار وضعیت «تولید خرده‌کالایی» در آن روستاها نیست؛ اگرچه باید چگونگی پیدایش آن وضعیت در روستاها بررسی شود تا مشخص شود وجود «تولید کالایی ساده» در آن روستاها ناشی از تحقق کدام‌یک از این دو وضعیت بوده است: آیا این وضعیت بر اثر وجود نقصان در روند تحقق تقسیم کار اجتماعی بین جوامع شهری و روستایی ظاهر شده بود؟ یا اینکه این امر، پیامدی از رشد مناسبات اجتماعی - اقتصادی و گسترش تقسیم کار اجتماعی و جذب بخشی از جمعیت اضافی روستاها به مناسبات تولید غیرزراعی و روستایی بود؟ نارسایی موجود در گزارش‌های جغرافیانگاران سده‌های میانه، فهم و ارزیابی نهایی این موضوع را با دشواری روبه‌رو می‌کند. اما برای آگاهی از وضعیت تولید محصولات پیشه‌وری در برخی از روستاها که به صورت تخصصی تولید و به نواحی مختلف صادر می‌شد، درمورد تولید و صدور حجم زیادی پوشاک از روستای استوا در ناحیه نیشابور، ← مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ص ۴۶۶. درمورد روستای جوین، که روستایی پهناور بود و در آن پوشاک تولید و صادر می‌شد، ← همان، ص ۴۶۵، اشتغال اهالی روستای بوغ (در ناحیه ترمذ) به حرفه نساجی ← بارتولد، ۱۳۶۲: ج ۱، ۱۸۷-۱۸۶. اشارات بیشتر درباره وجود تولید تخصصی کالاهای مختلف در روستاهای سده میانه تاریخ ایران، ← اشرف، ۱۳۵۳: ۴۵؛ نیز: سلطان‌زاده، ۱۳۶۷: ۲۳۱.

۵۷. باید تأکید کرد این وضعیت تنها در شهرهای بزرگ (= درجه یک) این دوره تحقق یافته بود و در سایر شهرها، الگوی تقسیم کاری با این خصایص وجود نداشت.

۵۸. به طور کلی در دو دسته از روستاها، فعالیت‌های بازرگانی جریان داشت: الف - روستاهای واقعی در مناطق مرزی که روابط بازرگانی گسترده‌ای با مناطق درون یا بیرون سرزمین ایران داشتند، ب - روستاهای غیرمرزی که بنا به موقعیت منزلگاهی یا فقدان شهری بزرگ در منطقه، کارکردهایی را در این راستا برعهده می‌گرفتند. از این رو، کارکرد تجاری مزبور در روستا ظاهر می‌شد و پشتیبانی سازمان و شبکه تجاری خاص جامعه شهری را همراه نداشت.

۵۹. تحلیل این موضوع، در: یوسفی فر، ۱۳۸۲: ۵۲۷ به بعد.

۶۰. آن بخش از مازاد تولید کشاورزی که به بخش تجاری وارد می‌شد، تغییر ماهیت می‌داد و خصلت‌هایی به خود می‌یافت که به سرمایه تجاری شباهت‌هایی داشت. چنین تغییراتی در تعیین ماهیت و چگونگی «سرمایه تجاری» در مناسبات اقتصادی - اجتماعی شهرهای این دوران تأثیرات عمیقی را به جای می‌گذاشت. (برای ملاحظه تحلیلی از این موضوع، ← ضیایی: ۱۳۸۰، ۲۹۵-۲۹۴)

۶۱. بررسی گسترده‌ای از موضوع روابط اقتصادی بین شهر و روستا در سده‌های میانه، در: یوسفی فر، ۱۳۸۵.

۶۲. در متون جغرافیانگاری، اشارات بسیاری درباره رواج تولید زراعی و باغداری، تقریباً درمورد اکثر شهرها، وجود دارد. بررسی این وضعیت در شهرهای کهن ایران، ← پیگولوسکایا، ۱۳۶۷: ۲۳۸؛ بررسی مختصر نقش

پس کرانه‌های زراعی در حیات اقتصادی شهرهای سده‌های میانه، در: رهنمایی، ۱۳۷۱: ۱۴۰ ←، تفصیل بیشتر این بحث در: یوسفی‌فر: ۱۳۸۵.

۶۳. کوزنتسوا درباره این ویژگی در مورد شهرهای ادوار متأخرتر ایران، یک بررسی انجام داده است که نتایج آن، پرتوهایی بر چگونگی مناسبات مورد بحث در ادوار کهن تر می‌افکند. (← کوزنتسوا، ۱۳۵۸: ۸۳-۸۲)

۶۴. روند سامان‌یابی استقرارگاه‌های مختلف در یک شبکه شهری براساس الگوی سلسله‌مراتبی طبیعی شکل می‌گرفت که در جریان تکامل مناسبات اقتصادی و سیاسی یک منطقه، شیوه سازمان‌دهی درون‌سرزمینی و برقراری روابط اقتصادی و اداری در جهت روند تمرکز یابی روابط درون منطقه‌ای پیش می‌رفت. در کنار چنین روالی، گاه دخالت عوامل سیاسی و اجتماعی حاکم در این روند طبیعی سبب می‌شد استقرارگاهی که موقعیت مناسبی داشت به‌عنوان محور مبادلات درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد که در نتیجه آن، روابط استقرارگاه مزبور با سایر کانون‌های منطقه‌ای تحت نفوذش از موقعیت سلطه‌آمیز بیشتری برخوردار می‌شد.

۶۵. برای مقایسه این الگو با سایر الگوها که برای مرتبه‌بندی جوامع شهری و استقرارگاهی ایران در سده‌های میانه پیشنهاد شده است و امکان کمتری برای تبیین تاریخی و سیاسی - اقتصادی وضعیت شهری آن دوران داشتند، ← نعمانی، ۱۳۵۹: ۴۴۸؛ و مورد دیگر در: تورسان‌زاده، ۱۳۷۷: ۱۵۰.

۶۶. برای ملاحظه تحلیل تفصیلی این موضوع، ← یوسفی‌فر، ۱۳۸۲: ۳۰۹ به بعد.

۶۷. بررسی مفصل این موضوع را در این مقاله می‌توان دید: یوسفی‌فر: ۱۳۸۴: ۲۱۷.

۶۸. بررسی مفصلی از موقعیت دژ، ارگ و دارالاماره‌ها در شهرهای ایرانی در: ذکاء، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۲۲۴-۲۰۹. اطلاعات کلی‌تر، در: سلطان‌زاده، ۱۳۶۷: ۲۸۹-۲۸۶.

۶۹. بررسی کارکردها و خصایص فضای کالبدی مسجد جامع در شهرهای ایران، در: سلطان‌زاده، ۱۳۶۷: ۲۷۴-۲۶۵؛ تحلیل نقش مسجد در روند برنامه‌ریزی و گسترش کالبد شهری سده‌های میانه، در: عبدالستار عثمان: ۱۱۲-۱۱۱؛ ارزیابی کارکردهای مسجد در شهرهای سده‌های میانه و تغییرات تدریجی کارکردهای این نهاد، در: حبیبی، ۱۳۷۸: ۴۶-۴۲. اطلاعات فراوانی در باب جایگاه مسجد جامع و سایر مساجد در شهرهای تاریخی و معاصر ایران در این مأخذ به دست می‌آید. مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی معماری مسجد: افق آینده، ۲ ج، تهران: دانشگاه هنر، ۱۳۸۰.

۷۰. بررسی وضعیت تاریخی بازار، در: پروشانی، طارمی، فروتن و دیگران، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۳۱۷-۳۱۶؛ نیز ← بونین (Bonine)، اشرف و دیگران، ۱۹۹۹: ج ۴.

۷۱. با وجود اهمیت عنصر محله در زندگی شهری ایران، تاکنون پژوهش گسترده‌ای درباره آن صورت نگرفته است. اطلاعات کلی در این مورد در این مقاله وجود دارد: ضیاء‌توانا، ۱۳۷۰: ۱۹۹-۱۷۳. اطلاعات دیگری از این موضوع در جوامع شهری مختلف دنیای اسلامی در این مأخذ یافت می‌شود: پدرسن و دیگران، ج ۶، ص ۷۰۶-۶۴۴.

۷۲. برای ملاحظه بررسی تفصیلی از روند پیدایش «ریض» در منطقه شهری و سامان‌یابی فضایی عناصر اصلی کالبد شهر ایرانی در دوران اسلامی در آن منطقه، می‌توان به این مأخذ مراجعه کرد: یوسفی‌فر، ۱۳۸۴: ۲۶۱-۲۱۷.

کتابنامه

- آذرنوش، آذرتاش. ۱۳۷۹. فرهنگ معاصر عربی - فارسی. تهران: نشرنی.
- آلتهایم، فرانتس و استیل، روت. ۱۳۸۲. تاریخ اقتصاد دولت ساسانی. ترجمه هوشنگ صادقی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- آیتا... زاده شیرازی، باقر. ۱۳۷۹ - ۱۳۷۸. مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. ج ۵. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- ابراهیمی، محمدحسین. پاییز ۱۳۷۵. «مدخل بحث درباره شهر اسلامی»، آبادی (فصلنامه مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری)، س ۶، ش ۲۲، ص ۱۹ - ۱۲.
- ابن جبیر، محمدبن احمد. ۱۳۷۰. سفرنامه ابن جبیر. ترجمه پرویز اتابکی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد. ۱۳۶۶. صورة الارض؛ ایران در صورة الارض. ج ۲. ترجمه جعفر شعار. تهران: امیرکبیر.
- ابن فقیه همدانی، ابوبکر احمد ابن محمدبن اسحاق. ۱۳۴۹. ترجمه مختصر البلدان؛ ترجمه ح. مسعود. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ادیبی، حسین. «تعریف شهر»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۲، ش ۲، ص ۲۳-۲۲.
- اسلامی، علی ناصر و مورینی، ماسیمو. پاییز ۱۳۷۵. «پرسش پژوهشگران غربی از هویت شهر اسلامی»، آبادی (فصلنامه مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری)، س ۶، ش ۲۲، ص ۲۷ - ۲۰.
- اشپولر، برتولد. ۱۳۶۹ - ۱۳۶۴. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلام. ج ۲. ترجمه جواد افلاطوری و مریم میراحمدی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اشرف، احمد. ۱۳۵۸. موانع تاریخی رشد بورژوازی در ایران. تهران: زمینه.

- _____ تیر ۱۳۶۰. «نگرشی در تحول شالوده‌های نظام طبقاتی از دوره ساسانی به دوره اسلامی»، آرش، دوره ۵، ش ۴، ص: ۸۶-۶۹.
- _____ تیر ۱۳۵۳. «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران»، نامه علوم اجتماعی (مجله دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران)، دوره اول، ش ۴، ص ۴۹ - ۷.
- _____ بی تا. نظام فئودالی یا نظام آسیایی، نقد و نظری در ویژگی‌های تاریخ ایران. تهران: فردوسی.
- اعتضادی، لادن. ۱۳۸۶. «شهر ایرانی، یک مفهوم»، اندیشه ایرانشهر، س ۲، ش ۶، ص ۱۳۶ - ۱۳۰.
- افشار نادری، کامران. ۱۳۷۵. «مشترکات شهرسازی جهان اسلام»، آبادی (فصلنامه مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری)، س ۶، ش ۲۲، ص ۴۶ - ۵۳.
- اهری، زهرا. ۱۳۸۰. مکتب اصفهان در شهرسازی (زبان‌شناسی عناصر و فضاهای شهری، واژگان و قواعد دستوری). تهران: دانشگاه هنر.
- اهلرز، اکارت. بهار ۱۳۵۵. «دزفول و حوزه پیرامونی آن»، ترجمه عباس سعیدی، جغرافیا (نشریه انجمن جغرافی دانان ایران)، دوره اول، ش اول، ص ۲۶ - ۲۱؛ ترجمه مجدد در: ایران، شهر روستا عشایر، تهران: نشر منشی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۸ - ۲۵۶.
- _____ ۱۳۷۰. «سرمایه‌داری بهره‌بری و گسترش شهری در شرق اسلامی، نمونه ایران»، ترجمه عباس سعیدی، نشریه علوم زمین، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، دوره جدید، ش ۱، ص ۱۷۲ - ۱۱۵.
- بارتولد، و.و. ۱۳۶۲. ترکستان نامه، ترکستان در عهد هجوم مغول. ج ۲. ترجمه کریم کشاورز. چ ۲. تهران: آگاه.
- بریان، پیر. ۱۳۸۱. امپراطوری هخامنشی. ترجمه ناهید فروغان. ج ۲. تهران: فرزاد روز.

بلخاری، حسن. آذر. ۱۳۸۴. «زیر سایه معنا، هویت مفهومی و معنوی شهر اسلامی»، *خردنامه (ضمیمه روزنامه همشهری)*، ش ۷۷.

بنه لو. ۱۳۶۸. *تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی*. ترجمه راضیه رضازاده. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت.

بولت، ریچارد. ۱۳۶۴. *گروش به اسلام در قرون میانه؛ پژوهشی نوین در تاریخ اجتماعی*. ترجمه محمدحسین وقار. تهران: نشر تاریخ ایران.

پاکزاد، جهانشاه. زمستان ۱۳۸۴. «تأملی بر مفهوم شهر در ایران»، *اندیشه ایرانشهر*، س ۲، ش ۶، ص ۱۰۴ - ۹۴.

پرتوی، پروین. بهار ۱۳۷۸. «تداوم تاریخی در معماری و شهرسازی ایران (اصول و مفاهیم)»، *نامه هنر (فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه هنر)*، س ۱، ش ۲، ص ۱۲۹ - ۱۰۶.

پروشانی، ایرج؛ طارمی، حسین؛ فروتن، فریدون؛ و دیگران. ۱۳۷۵. «بازار» *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، تهران: بنیاد دانشنامه جهان اسلام، چ ۲، ص ۴۰۳ - ۳۱۴.

پیران، پرویز. بهار ۱۳۸۴. «نظریه شهر در ایران»، *جستارهای شهرسازی*، س ۴، ش ۱۲.

پیرنیا، کریم. ۱۳۶۶. «مساجد»، *معماری ایران دوره اسلامی*، به کوشش محمدیوسف کیانی. تهران: جهاد دانشگاهی، ص ۲۲ - ۱.

پیگولوسکایا، ن. و. ۱۳۶۷. *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*. ترجمه عنایت‌الله رضا. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

ترابی، مرضیه. زمستان ۱۳۸۴. «مفهوم شهر»، *نقد خاطره جمعی*، وقایع تاریخی بر ویژگی‌های کالبدی فضا در شهر»، *اندیشه ایرانشهر*، س ۲، ش ۶، ص ۱۱۶ - ۱۰۵.

ترنر، برایان. ۱۳۷۹. *ماکس ویر و اسلام*. ترجمه سعید وصالی. تهران: نشر مرکز.
تفضلی، احمد. ۱۳۶۸. «شهرستان‌های ایران»، *شهرهای ایران*، به‌کوشش
محمدیوسف کیانی، ج ۳، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ص ۳۴۹ -
۳۳۲.

تورسان‌زاده، نذیرجان. پاییز - زمستان ۱۳۷۷. «شهرهای ماوراءالنهر در دوران
ساسانیان؛ با تأکید بر خجند»، *خراسان پژوهی* (فصلنامه مرکز خراسان‌شناسی)،
مشهد، س ۲، ش ۱، ص ۱۶۸ - ۱۴۳.

توسلی، محمود. ۱۳۷۱. «شهر در سرزمین‌های دوره اسلامی»، *هفتاد مقاله، ارمغان*
فرهنگی به دکترغلامحسین صدیقی، ج ۲، گردآورنده: یحیی مهدوی - ایرج
افشار، تهران: اساطیر، ص ۳۶۹ - ۲۵۹.

جیهانی، ابوالقاسم بن احمد. ۱۳۶۸. *اشکال‌العالم*. ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، با
مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری. مشهد: شرکت به‌نشر.

چوکسی، جمشیدگرشاسب. ۱۳۸۱. *ستیز و سازش، زرتشتیان مغلوب و مسلمانان*
غالب در جامعه ایران نخستین سده‌های اسلامی. ترجمه نادر میرسعیدی.
تهران: ققنوس.

حاکم نیشابوری، ابو عبدالله. ۱۳۷۸. *تاریخ نیشابور*. ترجمه و تلخیص
محمد بن حسین خلیفه نیشابوری. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگاه.
حبیبی، حسن. تابستان ۱۳۶۹. «نگاهی به مفهوم شهر در ایران»، *صفحه؛ س ۱، ش ۱*،
ص ۲۰ - ۱۶.

_____ ۱۳۷۸. *از شار تا شهر؛ تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای*
کالبدی آن، تفکر و تأثر. ج ۲. تهران: دانشگاه تهران.

حق‌شناس، محمد علی. ۱۳۸۱. *فرهنگ هزاره (انگلیسی - فارسی)*. ج ۲. تهران:
مؤسسه فرهنگ معاصر.

- دیاکانوف، م.م. ۱۳۵۷. تاریخ ماد. ترجمه کریم کشاورز. ج ۲. تهران: پیام.
- _____ ۱۳۵۷. اشکانیان. ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام.
- ذکاء، یحیی. ۱۳۷۹ - ۱۳۷۸. «مفهوم دژ و ارگ یا هسته مرکزی ایجاد شهرها در ایران»، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. به کوشش باقر آیتا... زاده شیرازی، ج ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ص ۲۲۴ - ۲۰۹.
- راپوپورت، امس. ۱۳۶۸. منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی، در تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی. ترجمه راضیه رضازاده. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت.
- رضایی‌راد، محمد. بهار ۱۳۸۵. «سنخ‌شناسی شهرهای ایران باستان»، جستارهای شهرسازی (فصلنامه تحلیلی- پژوهشی علوم اجتماعی)، س ۵، ش ۱۶-۱۵، ص ۹۳-۸۲.
- رودنسون، ماکسیم، ۱۳۵۸. اسلام و سرمایه‌داری. ترجمه اتحاد کارگر. تهران: بی‌نا.
- رهنمایی، محمدتقی. ۱۳۷۱. «شهرنشینی و شهرسازی در ایران، منشأ، روندها و وضع کنونی ما»، جشن‌نامه دکتر محمدحسن گنجی، به کوشش ایران پورجزئی، تهران: سحاب، ص ۱۶۴-۵.
- سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۶۷. مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران. ج ۲. تهران: امیرکبیر.
- _____ ۱۳۷۷. معماری و شهرسازی ایران به روایت شاهنامه فردوسی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- _____ دی- بهمن - اسفند ۱۳۷۲. «تأثیر اسلام در ساخت شهر»، مجله معماری و شهرسازی، دوره ۵، ش ۲۶-۲۵. ص ۵۱-۴۴.

سیدسجادی، سید منصور. ۱۳۸۴. نخستین شهرهای فلات ایران. ۲ ج. تهران: سمت.

سیف، احمد. ۱۳۸۰. استبداد، مسئله مالکیت و انباشت سرمایه در ایران. تهران: رسانش.

شکوهی، حسین. بی تا. جغرافیای شهری عمومی. تهران: دانشگاه پیام نور.

_____ . ۱۳۷۳. دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. ۲ ج. تهران: سمت.

ضیاءتوانا، محمدحسین. ۱۳۷۰. «محلّه؛ بافت و ساختار آن در شهرهای شرقی اسلامی»، مجله علوم زمین (نشریه دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی)، دوره جدید، ص ۱۹۹-۱۷۳.

_____ . ۱۳۸۰. بازار قیصریه لار. تهران: نشرنی.

ضیایی، محمود. ۱۳۸۰. تعیین نقش و جایگاه دولت در توسعه شهر و شهرنشینی در ایران، پایان‌نامه دکتری جغرافیای شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

عبدالستار عثمان. ۱۳۷۶. مدینه اسلامی. ترجمه علی چراغی. تهران: امیرکبیر.

عبود، محمد. مرداد - شهریور ۱۳۸۲. «متدولوژی شرق‌شناسی در مطالعات تاریخ اسلام»، ترجمه حسن حسین‌زاده‌شانه‌چی، آینه پژوهش، س ۱۴، ش ۳، مرداد - شهریور ۱۳۸۲، ص ۹-۱۶.

غفوراف، باباجان. ۱۹۹۷ م. تاجیکان؛ تاریخ قدیم، قرون وسطی و دوره نوین. ج ۱ و ۲. ترجمه تاجیکی، محمدنیازاف و دیگران. تاجیکستان، دوشنبه؛ ایران - تهران: نشر عرفان.

علمداری، محسن. ۱۳۸۱. «بررسی مفهوم شهر اسلامی، با نگاهی بر هست‌ها و بایدها»، مجموعه مقالات برگزیده اولین جشنواره دانشجویی معماری و

- شهرسازی، تهران: فرهنگستان هنر و دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران،
ص ۲۶۱ - ۲۴۲.
- فرای، ریچارد نلسون. ۱۳۶۳. میراث باستانی ایران. ترجمه مسعود
رجب‌نیا. چ ۲. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____ . ۱۳۴۸. بخارا، دستاورد قرون وسطی، ترجمه محمود
محمودی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- فرید، یدالله. ۱۳۷۵. جغرافیا و شهرشناسی. چ ۴. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- فقیهی، علی‌اکبر. ۱۳۶۵. آل‌بویه و اوضاع زمان ایشان یا نموداری از زندگی مردم
آن عصر. چ ۲. تهران: صبا.
- فلامکی، منصور. ۱۳۷۴. باز زنده‌سازی بناها در شهرهای تاریخی ایران. چ ۳.
تهران: دانشگاه تهران.
- _____ . ۱۳۷۱. شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب. تهران: نشر
فضا.
- فهد، بدری محمد. ۱۳۸۷ هـ ق. / ۱۹۶۷ م. العامه بی‌غداد فی القرن الخامس الهجری.
بغداد: مطبعة الارشاد.
- قمی، حسن بن محمد بن حسن. ۱۳۶۲. کتاب تاریخ قم. ترجمه حسن بن علی بن
حسن بن عبدالملک قمی. تصحیح و تحشیه جلال‌الدین طهرانی. چ ۲. تهران:
توس.
- کاتوزیان، محمدعلی. ۱۳۷۲. اقتصاد سیاسی ایران، از مشروطیت تا پایان سلسله
پهلوی. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. چ ۲. تهران: نشر مرکز.
- کراچکوفسکی، ایگاناتی یولیانوویچ. ۱۳۷۹. تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان
اسلام. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: مرکز انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

- کریستین سن، آرتور. *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه غلامرضا رشید یاسمی. چ ۵. تهران: امیرکبیر.
- کوزنتسوا، ن.آ. ۱۳۵۸. *پیرامون تاریخ نوین ایران، اوضاع سیاسی و اقتصادی - اجتماعی ایران در پایان سده هجدهم تا نیمه نخست سده نوزدهم میلادی*. ترجمه سیروس ایزدی. تهران: نشر بین الملل.
- کوئسو، پایولو. ۱۳۸۴. *تاریخ شهرسازی جهان اسلام*. ترجمه سعید تیزقلم زنوزی. تهران: سازمان عمران و بهسازی شهری.
- کیانی، محمدیوسف. ۱۳۶۶. *نظری اجمالی به شهرسازی و شهرنشینی در ایران*. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- _____ ۱۳۶۸. *شهرهای ایران*. ج ۳. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- _____ ۱۳۷۴. *پایتخت‌های ایران*، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- کیوان، مهدی. ۱۳۷۹. «اصناف». *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، تهران: بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۲۷۹ - ۲۷۱.
- گیرشمن، رومان. ۱۳۷۹. *ایران از آغاز تا اسلام*. ترجمه محمدبهبه‌فروزی، تهران: جامی.
- متز، آدام. ۱۳۶۴. *تمدن اسلامی در قرن چهاردهم هجری*. ج ۲. ترجمه علی ذکاوتی قراگزلو. چ ۲. تهران: امیرکبیر.
- مجتبایی، فتح‌ا... ۱۳۵۲. *شهرزیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان*. تهران: باستان.
- مجیدزاده، یوسف. ۱۳۶۸. *آغاز شهرنشینی در ایران*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد. ۱۳۶۱. *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*. ج ۲. ترجمه علی نقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.

ملک‌شهمیرزادی، صادق. ۱۳۷۸. «بررسی مفهوم «شهر» از دیدگاه باستان‌شناسی»،
مجموعه مقالات دومین کنگره معماری و شهرسازی ایران، به کوشش باقر
آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۳ ج، ۱،
ص ۳۱ - ۴۰.

ممتاز، فریده. ۱۳۷۹. جامعه‌شناسی شهر. تهران: شرکت سهامی انتشار.
مؤمنی، مصطفی. ۱۳۷۷. پایگاه علم جغرافیا در ایران (جلد اول): پایگاه جغرافیای
شهری در ایران. تهران: فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران.
_____ ۱۳۷۰. «فراز و فرود شهر هرمز». علوم زمین (نشریه دانشکده
علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی)، دوره اول، ش ۱، ص ۹۴ - ۱۳۵.
ناجی، عبدالجبار. ۲۰۰۱ م. المدن العربیة الاسلامیة. بیروت، لبنان: شركة المطبوعات
للتوزیع والنشر.

نعمانی، فرهاد. ۱۳۵۹. تکامل فتودالیزم در ایران. تهران: خوارزمی.
نقی‌زاده، محمد. پاییز - زمستان ۱۳۸۳. «بازره‌های شهر و معماری اسلامی»، نامه
فرهنگستان علوم، ش ۲۷ - ۲۶، ص ۷۴ - ۴۳.
واعظ‌بلخی، ابوبکر عبدالله بن عمر بن. ۱۳۵۰. فضایل بلخ. ترجمه
عبدالله محمد بن محمد بن حسین حسینی بلخی. به تصحیح و تحشیه عبدالحی
حیبی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

وایت‌هوس: روث. ۱۳۷۹ - ۱۳۷۸. «نخستین شهرها»، ترجمه مهدی سحابی،
مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، به کوشش:
باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۵ ج. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
ورجاوند، پرویز. ۱۳۷۰. «شهرسازی و شهرنشینی ایران»، شهرهای ایران، ۴ ج،
به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی، ج ۴، ص ۱ - ۴۴.

- ویرث، لوییز. ۱۳۵۷. «شهرگرایی: شیوه‌ای در زندگی»، مفهوم شهر، ج ۲. گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای، تهران: نشر ایران، ج ۲، ص ۶۴ - ۳۵.
- یارشاطر، احسان (ویراستار). ۱۳۷۷. *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*. ج ۳، ق ۲. پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین بن عبدالله. ۱۳۸۰. *معجم البلدان*. ج ۲، ترجمه علی‌نقی منزوی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- _____ ۱۳۴۷. *برگزیده مشترک یاقوت حموی*. به اهتمام محمد پروین گنابادی. تهران: ابن‌سینا.
- یوسفی فر، شهرام. شهریور ۱۳۸۲. *اقتصاد شهری ایران در دوره سلجوقی*، پایان‌نامه دوره دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.
- _____ ۱۳۸۵. «الگوهای گسترش شکلی - کالبدی شهر در سده‌های میانه ایران»، پژوهشنامه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه شهید بهشتی. (زیر چاپ)
- _____ زمستان ۱۳۸۴. «تأملی در مقوله شکل شهر در سده‌های میانه تاریخ ایران»، فرهنگ. (ویژه تاریخ)، س ۱۸، ش ۴، ص ۲۶۱ - ۲۱۷.
- _____ ۱۳۸۳. «وضعیت شهرها در قرون اولیه اسلامی»، مجموعه مقالات *اسلام و ایران، بررسی تاریخی*، به اهتمام دکتر حسن حضرتی، تهران: نشر معارف.
- _____ ۱۳۸۵. *روابط شهر و روستا در سده‌های میانه تاریخ ایران*، طرح پژوهشی انجام شده در پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

(مؤلف مجهول). ۱۳۷۲. *حدود العالم من المشرق الى المغرب*. بامقدمه و تعليقات. و.و. مینورسکی. ترجمه مریم میراحمدی و غلامرضا ورهرام. تهران: دانشگاه الزهرا.

چکیده مقالات همایش توسعه محله‌ای: چشم‌انداز توسعه پایدار شهر تهران. اسفند ۱۳۸۳، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.

- Bonine, Micheal; Ashraf, A. and others. 1999. "Bazar" *Encyclopedia of Iran*, Vol.4, edited by Ehsan Yarshater, Mazdak Pub. U.S.A.
- Hourani, A.H. 1970. "Introduction: the Islamic city in the light of recent research", *The Islamic City; A Colloquium Papers of Islamic History*, edited by Hourani, A.H. and Stern, S.M.I. Oxford: Bruno Cassirer.
- Pedersen, J. and others. "Muhalla", *Encyclopedia of Islam*. 2nd ed, 19, Liden, vol. 6. pp 644-706.
- Stern, S.M. 1970. "The constitution of the Islamic city", *The Islamic City; A Colloquium Papers of Islamic History*, ed. by Hourani, A. H. and Stern, S.M.I. Bruno Cassirer, Oxford.